

باسمه تعالی

کار در الگوی زیست‌مسلمانی مبتنی بر دکترین آرمانشهر جهانی نبوی (جهانی سازی توحیدی فرهنگ کار در سبک زندگی نبوی)

غلامرضا رضائی پور

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور (گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی) = مدیر پژوهشکده احیای موارث اهل بیت (ع)

تلفن: ۰۹۱۱۷۱۱۲۶۷۱ - ۰۱۵۱۳۱۱۶۸۱۶

آدرس: مازندران - ساری - خیابان پیوندی - بین پیوند ۱۷ و ۱۹ - مجتمع فدک - طبقه ۲ کدپستی ۴۸۱۸۸۵۳۵۵۷

چکیده: با توجه به نقش کار و عمل در اعتلای حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع انسانی، کوشش برای ارتقای فرهنگ کار منبعث از اندیشه های مرفقی و فطری دکترین آرمانشهر جهانی نبوی و زدودن عوامل مزاحم و بازدارنده یک ضرورت اعتقادی الهی است. فرهنگ توحیدی کار می‌تواند زمینه مناسب برای سخت‌کوشی و خلاقیت و ابتکارات، نوآوری‌ها و احساس تعهد و مسؤلیت‌پذیری و وجدان کاری، انضباط اجتماعی و اخلاق را در جامعه عظیم کاری بشری فراهم سازد. در فرهنگ جهانی سازی توحیدی، کار و تلاش مانند مجاهدت در راه خدا، ارزشمند و مقدس شمرده شده است. این مقاله به واکاوی عناصر دخیل در هندسه جهانی سازی توحیدی و فرآیند جغرافیای نقشه ی راه در کار و تولید پرداخته و رابطه آن را با نهایی ترین آرمان دکترین جهانی سازی الگوی نبوی یعنی تامین حقوق بشر مورد واکاوی قرار می دهد. اهمیت کار و کار صالح در اسلام، از دیدگاه قرآن و پیامبر(ص) در نهج الفصاحه مطالبی را بیان کرده است که این خود اهمیت و ارزش کار را در این موارد می‌رساند. کار موجب کمال و تکامل وجودی انسان، عقل، عزت، مردانگی، بزرگی، سعادت، و خوشبختی و رحمت است. فضایل کار بی‌شمار و بی‌اندازه است که سفارش‌های گوناگونی برای تحقق امر و کوشش و ترویج این امر و ریشه‌دار کردن آن در اسلام و کتب اسلامی آمده است. لذا براساس آموزه های توحیدی از آدم (ع) تا خاتم (ص) کار در جهانی سازی توحیدی نه یک هدف بلکه ابزار تامین کننده مرفقی ترین و مقدس ترین هدف خلقت، که همانا تحقق حقوق بشر است، می باشد. بی شک ادامه سنت ابدی هدایت الهی پس از نبی(ص) نقض غرض نشده و توسط شاگردان معصوم مکتب نبوی یعنی عترت طاهرینش پیگیری شده است و لذا مبانی دکترین آرمانشهر جهانی نبوی یعنی قول، فعل و تقریر چهارده معصوم(ع) که توسط صاحبان عصمت ثنوری پرداز و تبیین شده است. چرا که قرآن و عترت دو ثقل، حبل متین الهی و یادگار خاتم انبیاء می باشد که تمسک به این دو تالی تلو و عدل موجب نجات امت تا ابد می باشد.

کلمات کلیدی: کار و تولید، دکترین آرمانشهر نبوی، جهانی سازی توحیدی، انسان کامل

مقدمه

بی شک نخستین وجودی که در نظام هستی اقدام به کار و تولید نموده، ذات مقدس باری تعالی بوده است که در حدیث قدسی فرمودند: «كُنْتُ كَنْزَ مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ : من گنج و ذاتی مکتوم و ناشناخته بودم که دوست داشتم شناخته شوم پس موجودات را خلق و تولید کردم تا بواسطه این کار و حرکت شناخته شده و شکوفا شوم» (شرح دروس معرفت نفس، ج ۱، ص ۱۱۹) از این حدیث قدسی و آیات قرآن و روایات ماثوره از ذوات نوریه معصومین (ع) لطائف و نکاتی استمزا می شود که عناصر دخیل در «کار مبتنی بر الگوی زیست‌مسلمانی در دکترین آرمانشهر جهانی نبوی» تبیین و ثنوری پرداز می

شود. و ما در این مجال مختصر برخی از این مبانی را تقدیم اندیشه فاخر و ذوق فخیم مخاطب محترم می نمایم: ۱- خداوند نخستین خالق و فاعل در عالم می باشد ۲- از منظر حق متعال کار و تولید تنها ساز و کار و راه ممکن جهت ظهور و شکوفا شدن استعداد های نهفته می باشد چنانکه این گنج مخفی و ذات ناشناخته چون دوست داشت شناخته شود اقدام به تولید خلقت نمود. تا شخص اقدام به کاری ننماید توانمندی هایش معلوم و متجلی نخواهد شد. ۳- اشخاص جهت رفع نیازها و احتیاجاتشان اقدام به کار و تولید می کنند یعنی حرکت، کار و تولیدشان متفرع بر نیاز است. اما در حضرت حق که غنی بذات است این حرکت و کار به جهت رفع نیاز نبوده، بلکه حرکت و تولید به جهت اشتیاق و محبت است یعنی خداوند مشتاق به تولید و خلق بوده است: من نکردم خلق تا سودی کنم / بلکه تا بر بندگان جودی کنم (مثنوی معنوی، ص ۴۱۳) ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود (دیوان حافظ، ص ۲۳۴) لذا ذات خلقت و جوهره ی کار و تولید با محبت و مهرورزی ارتباط وجودی و اتحاد اندکاکی دارد، چرا که حق متعال فرمودند: «فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ... : دوست و حب داشتم...» و هدف از کار و تولید در دکتربین آرمانشهر جهانی نبوی زراندوزی، سودمندی و بهره شخصی نیست ۴- خداوند کارگر و خالقی است که ﴿أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (مومنون، ۱۴) است یعنی او فاعل و عاملی است که کارش و تولیدش در حد ضعیف، متوسط و حسن نیست بلکه کارش به أَحْسَن وجه است یعنی بهترین نوع از خلقت و کار را انجام می دهد. ۵- در تولید، کار و خلقت خداوند یک میکرون اعوجاج، گژی و باطل راه ندارد بلکه کارش حق محض و مطلق حق است: ﴿خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ﴾ (عنکبوت ۴۴) ۶- در مناسبات هندسه ی توحیدی کار، خالق و کارگر چرخ نظام وجود در کارش نه ذره ای افراط دارد و نه تفریط. بلکه عدل محض و وسط مطلق است: ﴿و بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُ﴾ چنانکه به مردم تحت اندیشه های نورانی و مترقی دکتربین نبوی نیز خطاب می نماید: ﴿وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ (بقره ۱۴۳) ۷- نکته بسیار برجسته هندسه توحیدی کار اینکه خداوند فاعل و خالقی است که در کارش خلاقیت مدام و نوآوری و ابتکار مستمر نهفته می باشد. و ویژگی استثنائی کار و تولید در دکتربین نبوی استمرار آن به آن و لحظه به لحظه تجلیات و نوآوری ها تولید و کار می باشد. که فرمودند: ﴿يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي الشَّانِ﴾ (الرحمن، ۲۹): و چون سوال می شود از چگونگی خلقت آسمانها و زمین؛ بگو که خداوند چگونه ای خلق می کند که هر لحظه و روز به یک شان و شکلی تجلی می نمایند. به تعبیر حکیم و عارف فرزانه معاصر: جلوه کند نگار من تازه به تازه نو به نو --- دل برد از دیار من، تازه به تازه نو به نو (دیوان اشعار، علامه حسن زاده، ص ۴۷۷) ۸- عالم براساس علم ذاتی حق متعال خلق و از علم مطلق خداوند منتشی شده است. و او فاعل و خالقی است که کار و فعلش عالمانه بوده است. و لذا در هندسه ی توحیدی کار در دکتربین نبوی تنها کار و عمل مبتنی بر خرد و دانش و علم مورد قبول و ارزش است. به فرموده امام صادق (ع): «أَلْعَلِمُ إِمَامُ الْعَمَلِ : علم و دانش پیشوا و جلودار عمل صحیح است» (نهج الولاية، ص ۱۲) و فرموده انسان کامل حضرت وصی (ع): «وَلَا تَقَفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» : در کاری که بدان علم و دانش نداری وارد مشو ۹- براساس کریمه ﴿قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَةٍ﴾ (اسراء، ۸۴) : بگو هر موجودی براساس شاکله و بافت وجودی خودش کار، خلق و تولید می کند. خداوند نیز بر همین مبنا کار و تولید می کند یعنی کار حق براساس ذات و شاکله وجودی اش متصف به اسماء و صفات حکیم، علیم، عادل و... می باشد. ۱۰- قرآن به عنوان کتاب قانون و نقشه راه تحقق الگوی زیست مسلمانی هر گاه سخن از عمل و کار به میان می آورد آنرا متصف به صفت صالح می نماید. و ندای تعالوا بخش «والذین آمنوا و عملوا الصالحات» در سراسر کتاب دکتربین نبوی و جهانی سازی توحیدی به چشم می خورد. ۱۱- تولید و کار در فرهنگ جهانی سازی توحیدی تنها به ساخت مصنوعات، ادوات، اختراع و اکتشاف مواد اطلاق نشده و زایش یک فکر و اندیشه متعالی و نجات بخش را نیز کار و تولید دانسته، بلکه آنرا ارزشمندترین کار و شغل نخبگان و برگزیدگان بشریت می داند چه اینکه کار و پیشه سفرای الهی و انبیاء نیز بیشتر در حوزه تولید

فکر و اندیشه برای تعالی جامعه بوده است. که همین برگزاری، داوری و تالیف مقالات در این همایش نوعی کار و تولید در حوزه زایش اندیشه های نو و تازه می باشد. ۱۲- تئوری های هندسه توحیدی کار مبتنی بر الگوی زیست مسلمانی به حدی پویا، تحول گرا، نایستا و ترقی خواه است که نه مبانی تولید و کار در اقتصاد متحجرانه کمونیستی را برمی تابد و نه از جنس اقتصاد ظالمانه، استثمار و تمامیت خواه لیبرال دموکراسی غرب است. (وصیت نامه امام خمینی، ص ۹۰) کار و تولید در جهانی سازی توحیدی مبتنی بر اقتصادی آزاد و متعهد است. بدین معنا که تولید، کار، ابزار و ادوات وسیله ای جهت ارتقاء تعالی روح انسانی و تحقق حقوق بشر واقعی می باشد. که نافی هر گونه بهره کشی، استثمار، سلطه جویی و زور اندوزی می باشد. به تعبیر دیگر در اقتصاد جهانی سازی توحیدی کار و تولید هدف نیست بلکه ابزاری جهت کمال و تعالی جوامع انسانی و تامین اساسی ترین حقوق حقه ی بشریت یعنی وصول به قله توحید می باشد. در حقیقت اعلام سیاست های کلی اصل ۴۴ از سوی رهبری فرزانه انقلاب در راستای تحقق همین آرمان متعالی و نورانی و زمینه سازی جهت تحقق جامعه ی منتظر پویا، خلاق، مولد، مبتکر، نواندیش و بیدار است.

اینها بخش کوچکی از اصول مترقی و متعالی نهفته در « جهانی سازی توحیدی و جغرافیای نقشه راه در فرآیند کار و تولید» است که برخی از اضلاع « هندسه ی توحیدی کار در الگوی زیست مسلمانی» را تشکیل می دهند، و تولید کنندگان، کارگران و کارآفرینان معتقد به جهانی سازی توحیدی جهت تحقق اصول دکترین نبوت بایست مجاهده نمایند. یعنی خدا گونه و خدایی تولید، خلق و عمل کنند و مطمئن باشند که عمل و کار براساس این اصول مترقی طرحی نو در خواهد انداخت و هژمونی اقتصاد ضد بشری لیبرال دموکراسی غرب را در هم خواهد شکست. و عناصر در هندسه توحیدی کار در دکترین آرمانشهر جهانی مهدویت به بهترین شکل می تواند به فریاد اکثریت استثمار شده در غرب پاسخ منطقی و فطری بدهد و جنبش « ما ۹۹ درصدیم» والستریت را بسوی نورانیت آرمانهای فطری « جغرافیای نقشه راه در فرآیند کار و تولید در جهانی سازی توحیدی» هدایت نماید. نکته دیگر اینکه براساس مبانی متقن و عقلانی در حکمت متعالیه منتشی شده از اصول دکترین نبوت واژه ادیان غلط مصطلحی است که در تالیفات سده های اخیر باب شده در حالیکه دین، حقیقت واحدی از آدم(ع) تا خاتم(ص) که؛ انّ الدّین عندالله الاسلام(آل عمران ۱۹). و آنچه که بر اساس آموزه های غلط ناشی از سطحی نگری به عنوان تفاوت در دین عیسی، موسی، نوح و محمد مطرح می شود تفاوت در شرایع است و نه تفاوت در دین. که این آموزه غلط منجر به این شده که ما قائل به «ادیان توحیدی» شویم. لذا «شرایع توحیدی» و «دین توحیدی» آری! اما «ادیان توحیدی» نه! این برداشت غلط موجب جدایی بین پیروان و امتهای توحیدی شده و نافی تلاش انبیاء در تحقق دکترین آرمانشهر جهانی نبوی یا جهانی سازی توحیدی می باشد. چرا که از آدم تا خاتم عناصر در هندسه توحید واحد بوده اند. یعنی مبداء وحی برای تمام انبیاء واحد(خداوند)، امین وحی واحد(جبرئیل)، سفرای الهی کُلُّهُم نُوْرٌ واحد(همگی معصوم)، نظام تکوین در تمام اعصار واحد(یعنی خورشید، آسمان و زمین افلاک... در زمان همه انبیاء به همین شکل و چینش و بافت بوده اند) و سرانجام موضوع کار ارسال رسل که انسان باشد هم واحد است یعنی انسانهای عصر آدم تا خاتم جملگی صاحب حقیقت مشترکی بنام نفس ناطقه مجرد بوده اند و لذا براساس مبانی متقن عقلی دین همه انبیاء واحد است که همان اسلام و تسلیم در برابر ذات احدیت است. و پذیرش این دیدگاه عقلانی ما را در تئوری پردازی ها جهت تحقق آرمانشهر جهانی نبوی یا جهانی سازی توحیدی یاری می رساند. پر واضح است که دکترین جامعه مدنی نبوی شامل تئوری پردازی ها و روشنگری های ائمه صاحب عصمت و در قالب مجموعه احادیث چهارده معصوم(ع) به منصفه ظهور رسیده است. چرا که وجود مبارک حضرت نبوی(ص) تا بقیه الله مهدوی(عج) کُلُّهُم نُوْرٌ واحد می باشند. و لذا در این

مجموعه در تبیین دکترین و الگوی زیست مسلمانی در توسعه جهانی سازی فرهنگ توحیدی کار و تولید از مجموعه فرمایشات ائمه (ع) بهره مند خواهیم شد.

نامین حقوق بشر متعالی ترین آرمان مهدویت

بی مداهنه و بی مبالغه سخن از کار و تولید در جامعه مدنی نبوی و جهانی سازی توحیدی بدون تبیین جایگاه حقوق بشر عقیم و بلکه غیر قابل ممکن می باشد. چه اینکه اصالت و ارزش جایگاه هر چیزی در دکترین آرمانشهر جهانی نبوی در ارتباط با حقوق بشر مشخص می شود. قرآن به عنوان کتاب سعادت، آخرین نسخه شفاء بخش و نقشه راه بشریت عصر آخرالزمان، قول ثقیل و حکم حکیم خالق عالم و آدم است. که نزول آن بخشی از پاسخگویی خداوند به مطالبات به حق آدمیان در راستای تامین حقوق بشر می باشد. یعنی حق بشر مبنی بر داشتن یک کتاب قانون الهی جهت تبیین نقشه راه سعادت ابدی. قرآن این کتاب تدوینی حامل علم به حقایق بینهایت نظام وجود از ازل تا ابد می باشد. قرآن مجید، قول کامل است که در او اظهار کل اشیاء است. چنانچه به صراحت تصریح شده است که: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً﴾ (نحل، ۸۹) و ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ ءِ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا﴾ (نبأ، ۲۹) و ﴿وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابَسُ ءِلاَ فِى كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ (انعام، ۵۹) و نیز ﴿لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً ءِلاَ إِحْصَاهَا﴾ (کهف، ۴۹) همچنین بر اساس کریمه ﴿قُلْ كُلُّ يَعْْمَلُ عَلَى شَاكِلِهِ﴾ : بگو به یقین هر موجودی بر اساس شاکله وجودی خودش خلق و عمل می کند. ﴿اسراء، ۸۴﴾. قرآن مجید که از قلم خداوند ساطع شده همانند خداوند سبحان بی پایان و نور تبیان کل شیء است زیرا که به حکم محکم عقل ناصح هر اثر، نمودار دارایی موثر خود است، لذا همانطور که حق سبحانه صمد حقیقی اعنی وجود غیر منتهای است؛ کتاب او نیز حافل جوامع کلم نوریه خارج از حد عد و احصاء است: ﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّى لَفِئِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ اَنْ تَنْفِدَ كَلِمَاتِ رَبِّى وَ لَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مِدَادًا﴾ (کهف، ۱۱۰) و کریمه ﴿وَ لَوْ اَنَّ مَا فِى الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَوْ اَقْلَامٍ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ اُبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (لقمان، ۲۸) و چنانکه حق تعالی نور کل شیء است و هر چیز بدو شناخته می شود که: ﴿اللّٰهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ﴾ کتاب او نیز نور و تبیان کل شیء است. (انسان و قرآن، ص ۱۵۷؛ هزار و یک نکته، ص ۶۴۵)

این کتاب قانون دکترین آرمانشهر جهانی نبوی که حاوی علم به تمام کلمات وجودی عالم است به صراحت بیان می دارد که انسان دارای استعدادها، قابلیت ها و توانمندی هایی است که شکوفا شدن این توانمندی ها والاترین و متعالی ترین هدف خلقت است. در حقیقت بالاترین حقوق بشری بر خالقش این است که زمینه های لازم جهت شکوفا نمودن استعدادهایش را فراهم آورد. در قدم نخست قرآن به تبیین و تئوری پردازی فلسفه خلقت می پردازد که: ﴿وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْاِنْسَ اِلاَ لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات، ۵۶) و بر اساس روشننگری های تکمیلی در راز آفرینش و نتیجه ی عبودیت می فرماید: ﴿الْعِبُودِيَّةُ جَوْهَرُهُ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ﴾: این عبودیت دارای جوهره و باطنی است که نتیجه و جوهره اش رسیدن به مقام ربوبیت است. (مصباح الشریعه، ص ۷) که مقصد اعلى و مرصد آسنی در راز آفرینش انسان، وصول به مقام «رُبُوبِيَّة تَامَه بِالْعَرَضِ» است. و چنانکه ذات حق متعال دارای «رُبُوبِيَّة تَامَه بِذَاتِ» است، انسان نیز که «مَثَلُ اللّٰهِ الْاَعْلَى وَ خَلِيْفَةُ اللّٰهِ الْعُظْمَى» است (پرواز در ملکوت، ص ۷۸؛ شرح دعای سحر، ص ۸) دارای استعداد رسیدن به مقام «رُبُوبِيَّة تَامَه بِالْعَرَضِ» است (شرح رساله انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه ۲۹۶). چنانچه در حدیث قدسی می فرماید: «عَبْدِي اَطْعَنِي حَتَّى اَجْعَلَكَ مِثْلِي: بنده ام در اطاعت و عبودیت من قدم گذار تا تو را مثل و مانند خودم قرار بدهم» (شرح دفتر دل، ج ۱، ص ۲۵۴) و انسان موجودی است که در ذات و صفات و افعال بر وزان حق متعال خلق شده است (مآثر آثار، ج ۲، ص ۲۱۴) یعنی در او قوه و استعداد رسیدن به مقام مِثْلُ اللّٰهِ و خَلِيْفَةُ اللّٰهِ است. بلکه انسان مِثْلُ اَعْلَاىِ حَقِّ

متعال است (مصباح الهدایه، ص ۷۸) چه اینکه در مبانی جهانی سازی مبتنی بر الگوی زیست مسلمانی آنچنان به جایگاه حقیقی انسان پرداخته شده که حتی او مانع غربی نیز توان پر گشودن به قلّه مقامات انسان در دکترین نبوت را ندارد. جامعه توحیدی نبوی یعنی تجلی و ظهور تمام استعدادها و قابلیت های انسانی با تمام ابعادش از فرش تا عرش و از عرش تا فوق عرش و رسیدن به مقام ذات ربوبی چراکه: «العبودیه جوهره کنهها الربوبیه» (مصباح الشریعه ص ۷) لذا مقام انسان انتهی و تا بر نمی دارد یعنی مقامش لایقی است. چراکه حق متعال فرمودند: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ (انشقاق، ۷) و بدان که کریمه ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (مومنون، ۱۵) ناظر بدان معنای شریف و دقیق است که انسان در ذات و صفات و افعال به وزان حق تعالی است. که صادق آل محمد (ص) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَىٰ صُورَتِهِ: به یقین خداوند انسان را بر صورت و شاکله خویش خلق نمود» (مرصاد العباد، ص ۳) و «صورت» در این روایت نیز ناظر به همین حقیقت ملکوتیه است؛ نه صورت هندسی ظاهری. (شرح دفتر دل، ج ۱، ص ۲۵۳) چنانچه ابن عربی در شرح حدیث امام صادق (ع) می گوید: «الإنسان مخلوقٌ على صورةِ الرحمن، فهو النسخةُ الكاملةُ والمدینهُ الفاضلهُ». (انسان کامل، ص ۵۶) سیرالانبیاء، مولی الموحدين علی (ع) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى شَرَابًا لِأَوْلِيَائِهِ إِذَا شَرِبُوا مِنْهُ سَكِرُوا وَإِذَا سَكِرُوا طَرَبُوا وَإِذَا طَرَبُوا طَلَبُوا وَإِذَا طَلَبُوا وَجَدُوا وَإِذَا وَجَدُوا وَصَلُوا وَإِذَا وَصَلُوا اتَّصَلُوا وَإِذَا اتَّصَلُوا لَا فَرْقَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ حَبِيبِهِمْ: در نزد خداوند شرابی است که مخصوص اولیایش است. و هنگامیکه آنرا نوشیدند از شرب آن دچار سُکر شده، و هنگامیکه به اولیاء الله سکر دست داد به طرب افتاده، و هنگامیکه به طرب می افتدند حق را طلب نموده و چون او را طلب نموده می یابندش. پس چون خدا را یافتند به او وصل شده، و آن هنگام که به او وصل شوند بدو اتصال یابند و آن هنگام که به ذات ربوبی او متصل شده و فانی و مستغرق در حضرتش شدند پس دیگر هیچ فرقی بین آنان و حبیبشان نیست یعنی بین اولیاء الله و الله، و بین مُجِبُّ و مَحْبُوب اتحاد اندکایی برقرار می شود» (نقد النقود سید حیدر آملی، ص ۶۷۶) که : همه از دست شده، او شده است ===== أنا و أنتَ و هو، هو شده است (شرح دروس معرفت نفس، ج ۱، ص ۳۲۴) گر بشکافند سر و پای من ===== جز تو نیابند در اعضای من (همان منبع) در توفیق از ناحیه مقدسه در ماه مبارک رجب نیز آمده است که: « لا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا إِنَّهُمْ عِبَادِكِ وَ خَلْقِكِ: هیچ فرقی بین انسان کامل و حق متعال نیست...» (مفاتیح الجنان، ص ۴۱۳) و تنها فرق بین ربوبیت تامه انسان کامل با ربوبیت تامه حق متعال اینست که خداوند ربوبیتش بذات، بالإصالة و رَبِّ مطلق است و انسان کامل ربوبیتش بِالْعَرْضِ، بِالْتَّبَعِ و رب مقید است. بر همین اساس پیامبر (ص) می فرماید: «مَنْ رَأَى فَقَدْ رَأَى اللَّهَ: هر کس مرا ببیند خداوند را دیده است» (موسوعه الكلمات الرسول الاعظم، ج ۴، ص ۲۹۰). آری این انسان است که مخاطب به ندای رحمانی ﴿وَعَلَّمَ الْآدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾ (بقره،) می باشد. چنانچه امام صادق (ع) میفرماید: «لَنَا حَالَاتٌ مَعَ اللَّهِ نَحْنُ هُوَ وَ هُوَ نَحْنُ: بین ما و خداوند حالتی است که ما او می شویم و او ما می شود یعنی با ذات حق اتحاد برقرار می کنیم» (کافی، ج ۳، ص ۲۱۷) لذا پیامبر (ص) فرمودند: «لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْعُنِي فِيهِ مَلِكٌ مَقْرَبٌ وَلَا نَبِيٌّ مَرْسَلٌ: برای ما در ارتباط و اتحاد با خداوند و فنای در ذات حق، اوقاتی پیش می آید که در آن مقام و حالت، نه هیچ ملک مقرب و نه هیچ نبی مرسل را توان دخول بدان مرتبه و سعه ی وجودی ورود به آن حالت را ندارد. این معنای صحیح انسان و جایگاه حقیقی حقوق بشر است که در دکترین آرمانشهر جهانی نبوی یا جهانی سازی توحیدی تبیین شده است. و حقوق بشر زمانی به معنای اتم و اکمل آن اداء خواهد شد که انسان اولاً خدایی کار کند مانند آن اصولی ربانی که در دوازده بند ابتدای مقدمه در فرآیند خلقت و تولید عالم از سوی حق متعال و جریان کار تبیین شد. و ثانیاً در مرتبه ای بالاتر بر اساس استعداد و قابلیتش کار خدایی کند یعنی چون خداوند خالق، رازق، مُحِي، مُمِيت، رازق، فالق البحر، شافی و... باشد. چنانچه افعال صادره از حضرات عیسی، موسی، ابراهیم و محمد (سلام الله علیهم) چنین بودند. چرا که انسان خلیفه الله

است و خلیفه می بایست بر صفات مستخلف باشد. و انسان در عرف عرفان، قرآن و برهان یعنی صاحب و حامل چنین مقام عرشى.

حال که دکتربین نبوت مبانى و اصول علمى صحیح حقوق بشر را تئورى پردازى نموده و از متن کتاب قرآن، که متکفل تامين حقوق بشر است، جایگاه عظیم انسان را استخراج نمود. نوبت به پاسخگویی و تامين ديگر مطالبه بحق بشریت از خداوند می رسد. و آن اینکه انزال کتب آسمانى و تئورى پردازى می تواند شرط لازم برای تامين حقوق بشر باشد اما شرط کافى و کامل نیست چرا که این سوال پیش می آید که؛ آیا تا به حال کسى از بین آدمیان به این حقوق حقّه خویش نائل و واصل شده است یعنی انسانى از جنس خودشان به مقام ربوبیت تامّه رسیده است و تمام استعدادها و توانمندی و قابلیت های او بطور تمام وکمال شکوفا شده است. به بیان دیگر آیا مصداق عینى و نمونه عملى انسانى زنده که در بین بشریت باشد و به این حقوق بشرى نائل شده باشد هست؟؟ و لذا اینجاست که بشریت از خداوند طلب می نماید که کسى را برایش بفرستد که به اسرار باطنى کتاب نقشه راه سعادت ابدى(قرآن) اشرافیت تام داشته و ضمن قدرت تبیین این اصول مترقى و متعالی خودش نیز این راه را بصورت کامل و مطلق به سلامت و صحت طى نموده باشد و در ادامه بتواند دیگران را نیز به سلامت به سر منزل مقصود حقوق بشرى یعنی لقاءالله و رسیدن به ربوبیت تامّه رهنمون سازد. این چنین شخصیتی را قرآن به عنوان الگو و اسوه معرفى می نماید ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب ۲۱) و البته این اسوه کسى است که قابل تکرار و طى شدن است ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ (کهف، ۱۱۰) دکتربین نبوت از چنین الگوی عملى، مصداق عینى و اسوه قابل تکرار شدن به انسان کامل، امام، خلیفه الله، ولی الله الاعظم، حجت الله و... نام می برد. آرى معرفى و ارسال رسل (انسان کامل) در کنار انزال کتب از سوى حق متعال پاسخی است به مطالبات حقوق حقّه بشریت از سوى خداوند خالق عالم و آدم. علامه سید حیدرآملی در معرفى دو نعمت عظمای الهى یعنی انسان کامل و کتاب کامل به نقل از رساله نسخه الحق جناب ابن عربى می فرماید: «خداوندی را سپاس می گویم که انسان کامل را معلّم فرشته قرار داده و با نفس او گردش فلک آفرینش انجام می گیرد» (جامع الاسرار و منبع الانوار، ص ۱۰) چنانکه جناب محقق قیصرى در شرح فصوص الحکم می فرماید: «وَ اعْلَمَ ان لِكُلِّ انْسانٍ نَصيبًا مِنَ الرُّبُوبِيَةِ و اما الربوبية التامه هي للانسان الكامل لانه الخليفة و له الولاية الالهية الكليه التكوينية» (شرح فصوص قیصرى، قیصرى، ج ۱، ص ۵۹۳) بدان که برای هر انسانى از ربوبیت حق تعالى نصیبى است ولى ربوبیت تامه برای انسان کامل است زیرا که او خلیفه الله است و دارى ولایت الهیه تکوینى است؛ چه اینکه عبودیت تامّه از آن او است که عبودیت جوهره اى است که کنه او ربوبیت است(مصباح الشریعه، ص ۷) این «انسان کامل» همان بیت المعمور حق است که خداوند در شان جایگاه و منزلت حقیقى او فرموده است: «ما وَسَعَنى اَرْضى وَ لا سَمائى وَ وَسَعَنى قَلْبَ عَبْدِ المُؤْمِنِ: من در زمینها و آسمانها نمى گنجم و لکن دل انسان و بنده مومن من تحمل و سعه ی حمل مرا دارد» (طهارت، ج ۱، ص ۱۴۵) و نیز «أَلْقَلْبُ حَرَمَ اللهِ» (همان) نتیجه اینکه: ۱- انسان موجودى است که در ذات و صفات و افعال بر وزان خداوند خلق شده است ۲- بشر توان و قوه رسیدن به والاترین حق مسلم خویش یعنی وصول به مقام عنداللهى و ربوبیت تامّه را دارد ۳- جهت تامين اساسى ترین حقوق بشر- حق رسیدن به ربوبیت تامّه - خداوند عادل و حکیم موظف و مشتاق است کتابى که حاوى اصول صحیح نقشه راه جهت وصول به سعادت ابدى باشد را برای بشر انزال کند. ۴- از ديگر حقوق الزامى و اساسى بشر از خالق آدم و عالم اینست که مصداق عینى و الگوی عملى زنده در کنارش قرار دهد تا این الگو و انسان کامل ضمن سیطره وجودى به کتاب نقشه راه، خود نیز قبلا راه را به کمال و سلام طى نموده و قدرت هدایت بشر را بدان مقصد، که حق بشر است، داشته باشد.

ولذا نتیجه می‌گیریم که تامین تام و تمام حقوق بشر در حوزه کار و تولید در گرو بهره‌مندی و اجرای دقیق مبانی علمی و عقلانی طرح شده از سوی انسانهای کامل یا معصومین(ع) - به عنوان الگوی زیست مسلمانی - می‌باشد. این از مسلمات و واضحات واجب عناصر دخیل در « هندسه توحیدی کار در دکترین آرمانشهر جهانی نبوی » یا « نقشه راه کار و تولید در فرآیند جهانی سازی توحیدی » می‌باشد. با استمداد از نام و یاد مبارک و کلام هدایت‌گر رسول خاتم (ص) صفحه می‌کشاییم: « هنگامی که خداوند بخواهد به بنده‌ای دوستی و محبت کند، زیبایی و دل‌پذیری بندگی و عبادت را درونش می‌نشانند. و: « بهترین حالت و جلوه بندگی عبادت، فکر کردن است. » و: « تفکر و اندیشیدن به خوبی‌ها، انسان را به انجام دادن و عمل کردن به آنها می‌کشاند. » و نیز: « به وسیله فکر و اندیشه، روش‌ها و رویه‌کاری بهبود می‌یابد. » و در نتیجه: « ثمره و میوه فکر، سلامت کار است. » و سرانجام « سلامت کار نشانی از عبودیت دل‌پذیر است که اگر توفیقش نصیب شود، نشانی از شعاع لطف الهی به بنده‌اش می‌باشد. (اخلاص در کار، ص ۲۱۳)

معانی کار در فرهنگ اسلامی

کار در لغت فارسی در معانی مختلف استعمال شده است. ۱ - به معنی شغل، عمل، پیشه بکار رفته است. ۲ - رفتار و کردار ۳ - آنچه در عالم خارج تحقق می‌یابد ۴ - ممارست، اشتغال، تمرین ۵ - حادثه ۶ - صنعت و هنر ۷ - رنج و زحمت ۸ - بنا و ساختمان ۹ - حاجت احتیاج ۱۰ - وسیله معیشت (فرهنگ معین، ج ۳، ص ۲۷۸۹) تمام این معنی و مفاهیم در معنای کار استعمال شده است و این امر نشان‌دهنده گستردگی و غنای بالای این کلمه در فرهنگ مهدویت می‌باشد.

عینیت کار و عبادت در دکترین نبوت

با نگرش به تاریخ و ادیان و سیره انبیاء الهی و معصومین، به این واقعیت مهم می‌رسیم که در طول قرون متمادی، هادیان بشر علاوه بر نقش بزرگ رسالت و هدایت انبیاء بشر، در کنار آن مسئولیت سنگین، به امر اشتغال - کارگری - مشغول بودند تا بتوانند معیشت و اقتصاد خانواده و جامعه را به پویایی و کمال برسانند در این بین، علاوه بر انبیاء گذشته، فرستاده آخر خدا از این امر مستثنی نبوده و تاریخ گواه این مدعاست. پیامبر(ص) نه تنها خود منشاء تولید فرهنگ کار توحیدی بوده اند بلکه وقتی سیره عملی تربیت شده مکتب نبوی یعنی حضرت علی(ع) را مرور می‌کنیم در گوشه سرزمین وحی(حجاز) و به خصوص مدینه منوره، یادبودهای کار دستی و تلاش عملی و پایدار امیرالمؤمنان(ع) را می‌یابیم که با تمام دشمنی‌های آشکار حکام ستمگر در محو نام و تخریب آثار و نابودی به عمل آورده‌اند. باز در آن سرزمین مقدس و شهر و حومه مدینه، آثاری از بثر علی(چاه علی) عین علی(چشمه علی) و نخلستان‌های خرمایی باقی است، که هر یک به نمونه خود یادبودی عزیز و مقدس از ایثار و کار طاقت‌فرسای آن مظلوم تاریخ است و برای پیرامون ایشان درسی است از چگونگی ارزش کار و تقدس آن. خداوند سبحان کار می‌کند: آیا خداوند سبحان کار میکند؟ باید گفت: آری، خدا کار می‌کند، ان الله یفعل ما یرید. فعل خدا، خلق عالم خلقت و موجودات است و همه عالم هستی، از کار خداست، و انسان در این امتیاز بسیار بزرگ، یعنی خلق و خلقت با خدای عظیم قرین است. انسان فعال و کارگر، در خلق اثر و هنر و... در حقیقت به رسالت خود که در حقیقت امر خداست عمل کرده است. (کار و عبادت، ص ۲۱۹)

تعالی کار و کار متعالی در جهانی سازی توحیدی

کلمات عمل صالح یا جمله‌های عملی الصالحات، به صورت مکرر و مطلق در قرآن استفاده شده است و باید گفت حتماً در این اطلاق، تعمدی بوده است. اگر بخواهیم در عرف معمولی برای عمل یا کار تعریف قایل شویم، باید بگوییم: هر چیزی که مستلزم صرف زحمت و جیب مقصدی باشد کار و عمل است. کارگری که در شهرداری مشغول است یا کارگری که در کارخانه کوچک یا بزرگ و یا هر مجموعه کارگری کار می‌کند، شب زنده‌داری مادران برای فرزندان جز اعمال صالح به حساب می‌آیند. «و بشر الذین و امنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات تجری من تحتها الانهار...» به کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای صالح می‌کنند، مژده بده که برای آنها باغ‌هایی است که در کف آن جویبارها جاری است. «تلك الجنة التي اورثتموها بما كنتم تعلمون» و آن بهشتی است که آنرا به وسیله کارهایی که کرده‌اید، وارث شده‌اید» (زخرف، ۷۲) و آیات فراوانی دیگر از جمله آیات سوره نساء، ۱۲۳، مریم ۶۱، سجده ۹۱، بقره ۹۷، طه ۱۲۳، بنی‌اسرائیل ۹ و کهف ۱۱۰، دارای توضیحاتی در این باره (کار و کار صالح) دارند» نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد. کار و کارگر از نظر پیامبر اکرم (ص): «اذا عمل احدکم عملاً فلیتقنه» هر کسی که کار می‌کند باید آنرا خوب انجام دهد. (نهج‌الفصاحه، حدیث ۱) «اذا كان يوم القيامة نادى مناد من عمل عملاً لغير الله فلیتطلب ثوابه ممن عمله له» (همان کتاب، حدیث ۲۳۳) وقتی روز رستاخیز درآید. منادی بانگ می‌زند که هر کس کاری برای غیر خدا انجام داده پاداش خود را از آن کس که برای او کار کرده گیرد» «ان احب عبادالله من حبب الیه المعروف حبب الیه فعاله» «محبوبترین بندگان خدا نزد وی» (همان، حدیث ۵۷۹) کسی است که کار نیک را محبوب او ساخته و میل انجام آن را در دلش انداخته است. «ان الله تعالی یحب اذا عمل احدکم عملاً ان یتقنه» خداوند دوست دارد که وقتی یکی از شما کاری می‌کنید آن را کامل کنید» (همان، حدیث ۷۴۶) مان قیل العمل مع العلم کثیر و کثیر العمل مع الجهل قلیل» کار اندک که با بصیرت و دانش انجام گیرد، بسیار است و کار بسیار که با نادانی و جهل صورت پذیرد اندک است. (همان، حدیث ۸۷۳) «خدا الامر بالتدبیر» کار را با تدبیر بنگر». (همان، حدیث ۱۴۳۷) «کل معروف صدقه» «هر کار نیکی صدقه است» (همان، حدیث ۲۱۴۶) انجام کار باعث آمرزش گناه است: ... من یومن بالله و یعمل صالحاً یکفر عنه سیاته و یدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابداً ذلک الفوز العظیم». (تغابن آیه ۹) «هرکس در دنیا به خدا ایمان بیاورد و کار صحیح و سالم و شایسته کند، خداوند گناهشان را ببوشاند و در بهشت‌هایی که در آن نهرها جاری است داخل کند و در بهشت جاودان متنعم باشد و این همان کامیابی بزرگ است.» پیامبر اکرم (ص) فرمود: «منزه‌ترین کارها، کار و تلاش با دست و محصول دسترنج است.» (مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۴۱۷) قال رسول‌الله (ص): «العباده سبعون جز افشلها اطلب الحلال.» (مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۴۱۷) نبی اکرم اسلام (ص) می‌فرماید: «عبادت هفتاد جز دارد. بهترین جز آن طلب رزق حلال است.» (مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۴۱۷)

الگوی زیست نبوی و قدسی سازی فضای تولید و کار

در بینش اسلامی میزان کار و تلاش از آنچنان قداست و ارزشی برخوردار است که هم ردیف میزان جهاد و مبارزه با دشمن معرفی گردیده است. چنانکه نبی مکرم اسلام (ص) کار و کوشش را همانند جهاد در راه خدا، مقدس دانسته و کارگر را تشبیه به مجاهد فی سبیل‌الله می‌نماید و همان اجر و پاداش را برای او متذکر می‌گردد. آنچه از مبانی و معارف تعالی بخش اسلامی در این مورد استنباط می‌گردد اینست که: آیین مقدس اسلام کار مفید و سازنده را در چهارچوب معیارهای ارزشی و اعتقادی خود عبادت تلقی نمود. و رشد تعالی انسان را تنها در سایه کار و کوشش می‌داند. در دین مبین اسلام نیل به مدارج عالی کمال، و راه رسیدن به مراتب پیشرفت، صرفاً در سایه کار و تلاش آگاهانه براساس معیارهای الهی بوده، و به همین جهت اسلام با عبادت تلقی کردن

کار و کوشش، انسان‌ها را توصیه به رعایت آداب و شرایط عبادت در انجام کارهای مختلف (مثل قصد قربت و...) نموده است. (وسائل الشیعه ج ۱۲، ص ۱۹)

کتاب جهانی سازی توحیدی و کالبدشکافی جریان کار و تولید

حکمای اشراقی و عرفا از قرآن به عنوان «کشف تام محمدی» یاد نموده و قرآن را سوغات جان و نفس عظیم الشانِ اول شخص نظام هستی یعنی خاتم انبیاء (ص) از سفر معراجیه و لیلۃ القدریه می دانند. و وجود حضرت ختمی (ص) را علت نزول قرآن از کُمون ذات باری تعالی می دانند. با نگاهی به ظواهر آیات قرآن کریم در می یابیم که قرآن مشحون است از دعوت به کار و تلاش در سایه فرهنگ توحیدی. کلمات زیر در قرآن بیانگر کار و تلاش می باشد: ۱- عمل: یعنی کار، کردار، فعل این کلمه در قرآن ۳۶۶ مورد آمده است. ۲- کسب: روزی جستن، حاصل کردن، شغل، پیشه این کلمات در قرآن ۶۶ مرتبه آمده است. ۳- سعی: یعنی کوشیدن، کار کردن، عمل کردن. این کلمه نیز ۳۰ بار در قرآن ذکر شده است. ۴- جهد: یعنی کوشیدن، رنج بردن، سعی، تلاش، این کلمات با مشتقات آن ۴۱ مورد آمده است. ۵- فعل انجام دادن: کار کردن، عمل، کار، کردار این کلمات نیز در قرآن ۱۰۷ مورد آمده است. ۶- شغل: یعنی کار و پیشه و حرفه این کلمه با مشتقات آن نیز ۲ مورد بیان شده است. این کلمات در قرآن در مفهوم عام آن «کار» است که خود از اهمیت خاصی برخوردار است و وقتی کار و کوشش ارزش پیدا می کند که توأم با ایمان باشد. از آیات مختلف قرآن چنین می توان گرفت که کارگر به معنای عام به کسانی اطلاق می شود که با ایمان و اعتقاد از فکر و اعضاء و جوارح خود برای انجام هر کاری کمک می گیرند. به همین سبب وقتی انسان مومن منشاء اثر و فاعل کار می شود ضروری است با قصد قربت و در جهت رضایت حضرت حق تعالی گام بردارد و در چنین شرایطی است که کار به عنوان عبادت تلقی می شود. در فرهنگ دینی ما به موضوع کار و ارزش آن، عنایات خاصی شده. اسلام کار را جانمایه حیات آدمی، دانسته و آن را سرمایه سعادت دنیا و آخرت بشر می شمرد. کار موجب عزت و شرف انسان‌ها است و یقیناً حیات هر جامعه مرهون کار، کوشش و تلاش است. اسلام سعادت و سلامت جامعه، و رشد و ترقی آن را مرهون کار دانسته و بقاء و دوام خانواده را نیز منوط به آن می داند و انسان‌ها را در هر موقعیتی باشند توصیه به کار و تلاش نموده و ارزش آن را مترادف با عبادت قلمداد می کند. «در قرآن کریم آیات فراوانی است که انسان را تشویق و توصیه بر طلب روزی و رزق حلال می نماید در سوره مبارکه جمعه می فرماید: فاذا قضیت الصلوه فاتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله و اذکروا الله کثیرا العکم تفلحون. پس از آنگاه که نماز پایان یافت و آنرا بجا آورید، باز در پی کسب و کار خود روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار و سعادتمند گردید. از این آیه نهایتاً نتیجه گیری می شود که برای کسب روزی بعد از اقامه نماز لازم نیست انسان تا نماز بعدی سر سجاده بنشیند و به دنبال معاش خود نرود. (وسائل الشیعه، ج ۱۲). در تاریخ آمده است که خداوند متعال به حضرت داوود (ع) وحی فرمودند «انک عبد صالح لولا انک تاکل من بیت المال» تو بنده بسیار خوبی هستی، اگر از بیت المال ارتزاق نمی کردی (کنایه از اینکه روزی از بیت المال تنها عیب و نقص توست). بعد از این وحی، حضرت داوود (ع) به گریه افتاد عرض کرد: پروردگارا چه کنم که این نقص مرتفع شود. خداوند متعال زره سازی را به او تعلیم داد و پس از آن حضرت داوود (ع) با ساخت زره و با بهره گیری از دست رنج خود ارتزاق می نمود، که علاوه بر کار و تلاش آن حضرت توانست منشاء فواید اجتماعی نیز گردد. او موفق شد با ساخت زره، ارتش را مقابل دشمنان مجهز و مسلح نماید. در واقع از احادیث و روایات متعدد می توان استفاده کرد که کارگری سیره انبیاء و ائمه (ع) بوده است. (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۷) در روایتی از امام هفتم (ع) نقل شده است که می فرمود: رسول الله (ص) و امیر المؤمنین (ع) و ابائی کلهم کانوا قد عملوا با یدیهم و هومن عمل النبیین و المرسلین و

الوصيا و الصالحين» پیامبر خدا(ص) و امیرالمؤمنین(ع) و پدران بزرگوارم کسانی بودند که با دست‌های خود کار می‌کردند و کار و کارگری سیره انبیاء و صالحان بوده است. روایت شده است که: دو نفر از اصحاب رسول خدا(ص) در حالیکه یکی از برادران خود را بر دوش می‌کشید بر رسول(ص) وارد شدند حضرت حال آن شخص را پرسید، عرض کردند: از هیچ نماز خارج نمی‌شود مگر اینکه وارد نماز دیگر شود و هیچ روزه‌ای افطار نمی‌کند مگر اینکه روز دیگرش را روزه می‌گیرد. اکنون حالش همین‌طور است که مشاهده می‌کنید. حضرت فرمود: پس چه کسی شترش را می‌چرخاند و چه کسی برای اداره خانواده‌اش کار و تلاش می‌کند؟ عرض می‌کردند: ما متحمل کارهای او هستیم حضرت فرمود: شما از او برتر هستید. (همان منبع) روزی رسول اکرم(ص) با اصحاب نشستند بودند، جوان توانا و نیرومندی را دید که اول صبح به کار و تلاش مشغول شده است. کسانی که محضر آن حضرت بودند گفتند: این جوان شایسته مدح و تمجید بود، اگر، جوانی و نیرومندی خود را در راه خدا به کار می‌انداخت، رسول اکرم(ص) می‌فرماید: این سخن را نگویند اگر این جوان برای معاش خود کار و تلاش می‌کند که در زندگی محتاج دیگران نباشد و از مردم بی‌نیاز گردد، او با این عمل در راه خدا قدم برمی‌دارد. همچنین اگر کاری می‌کند به نفع پدر و مادر و ضعیف و یا کودکان ناتوان و قصد دارد با این کار زندگی آنان را تأمین کند و از مردم بی‌نیازشان سازد باز هم راه خدا خواهد بود. در حدیث شریف: الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله: کسی که تلاش کند در راه بدست آوردن روزی حلال برای خانواده‌اش همچون مجاهد در راه خداست. پس انسانی که سخت‌کوش است برای امرار معاش افراد تحت تکفل خود مثل آن رزمنده‌ای است که در راه خدا مبارزه می‌کند و عرق چنین کارگری همچون قطرات خون شهداء دارای ارزش است. زیرا که اگر یک رزمنده با جهاد خود وطن را گزند دشمن و سیطره بیگانگان حفظ می‌کند و این هدف بزرگواری او به جهاد تعبیر می‌گردد، همین‌طور انسانی که با تلاش و کار بی‌وقفه خود باری از مشکلات جامعه مسلمین را به دوش می‌کشد و با کار و سازندگی روزه‌های نفوذ تسلط بیگانگان را سد نموده و جامعه اسلامی را از ذلت و تحقیر و مشکلات عدیده به اوج عزت و کرامت می‌سازند، در واقع کار او همان جهاد مجاهد فی سبیل الله می‌باشد و او هم یک رزمنده الهی است و لذا اجر او مثل رزمنده در میدان جنگ است و عرق بدن او همچون خون شهید، مقدس خواهد بود. در حدیثی جالب از امام صادق(ع) که انسان را متوجه می‌سازد که می‌تواند، با داشتن یک زندگی کاملاً عادی ولی سالم و پاک اجر و ثواب صدقه دهنده همان‌طور که گفته شد مجاهد فی سبیل الله را داشته باشد. امام صادق(ع) می‌فرمایند: جدم امام سجاد(ع) صبح که می‌شد از منزل خارج می‌شد برای طلب رزق و وسیله زندگی. کسی به حضرت گفت کجا می‌روی؟ حضرت فرمودند: می‌روم که صدقه به خانواده خود دهم آن شخص فرمود: هر کس برود، دنبال کسب و کار برای طلب مال حلال و رزق حلال در جهت عیال و خانواده خود، این کار او به مصداق صدقه است از جانب خدای سبحان و مگر نه اینکه صدقه عبادت بزرگ اسلامی است(همان منبع) در این مکتب کار کردن نه تنها دنیاطلبی نیست بلکه از مصادیق صدقه است یعنی هر لحظه یک انسان تلاشگر در حال عبادت است. در روایتی دیگر از امام باقر(ع) چنین می‌فرماید: ممن طلب استغفاراً(عن الناس و سبباً علی اهله و تعظفاً علی جاره لقی الله عزوجل یوم القیامه و وجهه مثل القمر ليله البدر: ترجمه: «کسی که طلب کند(یعنی دنبال کسب و کار و حلال برود) و نیت او در این کسب و کار، آنست که نه تنها خود و خانواده‌اش از مردم بی‌نیاز باشد بلکه مقداری هم به همسایگان خود توجه کند و کمک کند این فرد روز قیامت خدای خود را در حالی ملاقات می‌کند که دارای صورتی نورانی مثل ماه شب چهارده است. (وسائل الشیعه ج ۱۲، ص ۱۹) در اینجا امام می‌فرمایند: انسان تلاشگر و کاسب رزق حلال دارای صورت نورانی است معلوم می‌شود کار کردن از راه حلال و صرف کردن در جهت خانواده و اجتماع موجب نور امنیت قلب و جان انسان است. پس کارگران جامعه اسلامی در واقع بهترین کشتیان نور امنیت جان و قلبشان است. در روایتی از حضرت امام صادق(ع) نقل شده است: به معنی: قال: رانی ابو عبدالله علیه السلام و قد تاخرت عن السوق فقال: اغد

الی غرک ترجمه: معلی که ظاهراً شخص کاسبی بوده می‌گوید: حضرت امام صادق(ع) مرا دید، در حالیکه من دیر به محل کار می‌رفتم، حضرت فرمودند: صبح اول وقت برو سراغ عزت یعنی کار و کسب که موجب بی‌نیازی انسان است از غیر خدا، مایه عزت است و نباید در آن سهل‌انگاری نمود. وسایل الشیعه ج ۱۲، ص ۲۹) روایتی نقل از عبدالاعلی، در یکی از روزهای بسیار گرم تابستان در یکی از راه‌های مدینه با حضرت صادق(ع) برخورد کردم، به حضرت که حتماً از کار سخت در مزرعه با حالت خسته و عرق‌ریزان برمی‌گشتند، عرض کردم: من فدای شما گردم موقعیت شما نزد خدا معلوم است و نزدیکی و فرزند رسول بودن شما روشن است. آنگاه به سختی کار می‌کنید در چنین روز گرم و سوزان؟ حضرت در جواب فرمودند: کار می‌کنم که تا از افرادی مثل تو بی‌نیاز باشم. این بی‌نیازی از غیر خدا، عزت است. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: من اکل من کره یکون یوم القیامه فی مداد الانبیا و یاخذ ثواب الانبیا «هر کس از زحمت و دسترس خویش، مخارج زندگی را تأمین نماید، روز قیامت در صف پیامبران قرار گرفته و از عنایاتی که انبیا را شامل می‌گردد او نیز بهره‌مند می‌شود.» (من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۹۸) در روایتی از نبی مکرم اسلام(ص) آمده است که: ان رسول الله(ص) لما اقبل من غزوه تبوک استقبله لقد الانصاری فضا فحجه النبی(ص) ...، آنگاه که پیامبر(ص) از جنگ تبوک بازمی‌گشت «سعد انصاری» به استقبال آن حضرت رفت، پیامبر اکرم(ص) با او مصافحه کرد. دست زبر و خشن سعد در دست پیامبر(ص) قرار گرفت. فرمود: چه عاملی باعث زبری دست تو شده است؟ فرمود: یا رسول الله(ص) من با ریسمان و بیل کار می‌کنم تا اینکه مخارج خانواده‌ام را تأمین نمایم. رسول خدا(ص) دست او را بوسید و فرمود «این دستی است که آتش به آن نمی‌رسد». (بهترین کارها و بدترین درآمدها در اسلام، ج ۳)

اخلاص؛ سنگ محک کار و تولید توحیدی

امام علی(ع): «اخلصوا اعمالکم تسعدوا» علی(ع) فرمود: اعمال خود را خالص کنید تا سعادت‌مند شوید». (وسایل الشیعه ج ۱۲، ص ۱۱) آنچه از روایات و اخبار برمی‌آید، اینست که اخلاص اساس عبادت و روح عبودیت و بندگی است. ارزش عمل به خلوص نیت است. اعمال که انگیزه‌های غیرالهی داشته باشد، خواه ریاکارانه باشد یا به خاطر هوای نفس و یا تشکر و قدردانی مردم، یا پاداش مادی، هیچ‌گونه ارزش معنوی و مفهوم الهی ندارد. در حدیث مشهوری پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید «نیه المومن خیر من عمله و نیه الکافر شر من عمله و کل عامل یعمل علی لیته». نیت مؤمن از عمل او بهتر و نیت کافر از عمل او بدتر است و هر کس طبق نیتش کار می‌کند. (وسایل الشیعه ج ۱۲، ص ۱۲) پس نیت صحیح به کار ارزش می‌دهد و هنگامی که اخلاص از میان رفته عمل بیشتر جنبه ظاهری پیدا می‌کند، به منافع شخصی گرایش می‌یابد و عمق و اصالت و جهت صحیح خود را از دست می‌دهد. اخلاص در لغت از خلص گرفته شده به معنای مصفا و پاکیزه شدن از آلودگی‌ها و رهایی از قیدها. در حدیثی از امام ششم آمده است: «والعمل الخالص الذی لا تریدان یحمدک علیه احد الا الله عزوجل» عمل خالص آن است که در آن جز از خداوند عزوجل انتظار ستایش نداشته باشی. خداشناس و موحد راستین هرگز ذکر و فکر عملش را به غیر از رضای دوست انجام نمی‌دهد و خشنود است به آنچه که خدا برایش می‌خواهد. (وسایل الشیعه ج ۱۲، ص ۱۳)

اخلاص در قرآن

قرآن مجید در این باره می‌فرماید: «فمن کان یرجوا لقا ربه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرک بعباده ربه احداً» (سوره کهف آیه ۱۱۰) هر کس امید لقای پروردگارش را دارد باید عمل صالح انجام دهد و کسی را در عبادت پروردگارش، شریک نکند. در شأن نزول این آیه آمده است: شخصی خدمت حضرت پیامبر(ص) آمد و گفت: یا رسول الله(ص)، من در راه خدا اتفاق می‌کنم و صلح‌رحم

بجا می‌آورم و این اعمال را فقط بخاطر خدا انجام می‌دهم، اما هنگامیکه مردم از این اعمال سخن می‌گویند و مرا ستایش می‌کنند، مسرور و خوشحال می‌شوم، این اعمال من چگونه است؟ پیامبر(ص) سکوت کرد و سخنی نگفت تا اینکه این آیه «فمن كان يرجوا ... نازل شد» (اسدالغابه ج ۲ ص ۲۶۹)

دکترین آرمانشهر نبوی و پردازش فرآیند اخلاص در جریان تولید و کار

اخلاص در ۳ مرحله لازم است و رعایت آن ضروری است: قبل از عمل، هنگام عمل، و بعد از عمل. قبل از عمل، تصمیم به انجام هر کاری داریم، باید ذهن را از هر نوع شائبه، ریا و اطاعت غیرخدا تخلیه کنیم، اصولاً باید دید، محرک اصلی برای اقدام به کار مورد نظر، چه چیز است، آیا انگیزه‌های شیطانی و حالات زشت نفسانی است؟ یا واقعاً فقط جلب رضایت خدا و بر حسب وظیفه شرعی و قربه‌الی‌الله دست به کار زده است و در هنگام عمل نیز دقت لازم را باید نمود زیرا چه بسا اشخاص مدخل و آغاز کارشان نورانی است و با نیتی پاک شروع به کار می‌کنند ولی در هنگام عمل، بعضی از اغراض نفسانی آنها را به دام انداخته و چنان گرفتار وسواس شیطانی می‌شوند که کاملاً در جهت انحراف قرار می‌گیرند. درست همان موقع که مشغول کار مقدس هستند فکر می‌کنند که ما این کار را کامل و جامع انجام می‌دهیم تا شاهدان و ناظران را به سوی خود جلب کنیم و از رفتار ما خوششان بیاید. اما بعد از عمل نیز باید مواظبت کرد که شیطان آن را ضایع نکند. بیچاره بعضی از مردم که با زحمت فراوان نیت را خالص می‌کنند و عمل را نیز به سلامت و بدون ریا به پایان می‌رسانند ولی بعد از اتمام آن، پی‌درپی در مقام شرح و بیان آن برمی‌آیند و از مردم متوقع تکریم و تحسین و پاداش هستند. بی‌شک این مرحله از دو مرحله قبل سخت‌تر است، همانطور که در بیان حضرت امام صادق(ع) آمده است: «الابقا علی العمل حتی یخلص اشد من العمل». «نگهداری کار خیر از خود کار خیر سخت‌تر است». راوی گفت: نگهداری از عمل چیست؟ فرمود: مردی صله‌ای می‌کند و خرجی در راه خدای یگانه می‌نماید و ثواب کار خیر در نهانی برای او نوشته می‌شود، پس آن را یادآوری می‌کند و اظهار می‌کند و از دفتر کار خیر نهانی محو می‌شود و در دفتر کار خیر عیانی نوشته می‌شود و باز آن یادآوری می‌کند و اظهار می‌دارد و یک عمل ریا و خودنمایی برای او نوشته می‌شود... (مستدرک الوسایل ج ۲ ص ۴۱۷)

ساز و کار تحقق فرآیند اخلاص

در این مبحث از کلمات قصار المؤمنین(ع) استفاده کنیم: ۱- «سبب الاخلاص ألیقین» یقین منشاء اخلاص است. ۲- «الاخلاص ثمره یقین» اخلاص میوه یقین است. ۳- «علی قدر قوه الدین یكون خلوص النیه» خلوص انسان به اندازه قوت دین اوست. ۴- «ثمره العلم اخلاص العمل» اخلاص میوه علم و معرفت است. ۵- «اول الاخلاص الیاس مما فی ایدی الناس» سرآغاز اخلاص ناامیدی از ما، سوی الله است. ۶- «قلل الامال تخلص لك الاعمال» آرزوهایت را کم کن تا اعمالت خالص شود. ۷- «اخلاص ثمره العباده» اخلاص میوه عبادت است. (فهرست موضوعی غرر ص ۹۲) نتیجه آنکه اخلاص محصول، یقین، قدرت ایمان، علم، قطع امید از مردم، کم کردن آرزوها و عبادت پروردگار است.

اخلاص نبوی و پیامدهای متعالی آن در کار

۱- بصیرت و نورانیت دل و عمل خالص تا آن حد در اسلام مورد اهمیت است که در حدیثی پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: کسی که چهل روز اعمال خود را خالصانه انجام دهد خداوند چشمه‌ی حکمت و دانش را از قلبش بر زبانش می‌گشاید. (بحار الانوار ج ۱۸۹۶۷)

۲- حکمت و معرفت: حکمت و معرفت نیز از آثار و فواید اخلاص است که در روایت فوق آمده است. ۳- خضوع تمام به سوی الله در برابر انسان مخلص. ۴- کفایت امر و درمانده نشدن در کارها. قال الله عزوجل: «اطلع علی قلب عندنا علم منه حب الاخلاص لطاعتی و توجهی و ابتغا مرضاتی الا تولیت تقویمه و سیاسته». (اصول کافی ج ۲ ص ۱۶ حدیث ۴) ۵- خداوند عزوجل فرمود: «اگر بنده خود را دوستدار اخلاص و خداجو یابم اداره امور او را شخصاً به عهده می‌گیرم» کار او را به دیگران واگذار نمی‌کنم. ۶- سعادت و کامیابی: امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: اخلصوا اعمالکم تسعدوا. «اعمال خود را خالص کنید تا سعادت‌مند شوید». (اخلاص در کار و عبادت، ص ۵۶) ۷- بالا رفتن اعمال و قبولی آن پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: ای مردم اعمالتان را برای خدا متعال خالص کنید. زیرا خدا عملی را می‌پذیرد که فقط برای او باشد. (سفینه البحار ج ۱ ص ۲۰۸)

جایگاه کار و کارگر در جغرافیای نقشه راه جهانی سازی توحیدی

بقای جهان بشریت تمام ملت‌ها و تکامل مادی و معنوی انسان‌ها، همیشه در پرتو کار و کوشش بوده زیرا همه می‌دانیم که بشر در هر زمانی بواسطه کار و فعالیت نیازمندی‌های خود را تأمین کرده و به زندگی خود نشاط بخشیده است. جامعه بشریت در اثر تلاش و کار، غذای خود را از علف بیابان به بهترین خوراکی‌های لذیذ رسانیده و چراغ خود را از شعله‌های آتش و شمع به برق و مرکب خود را از حیوان به هواپیما و منزلشان را از غارها به کاخ‌های آسمان خراش و لباس‌های خود را از لباس‌های خشن و به قواره در عالی‌ترین و زیباترین لباس‌های مد و غیره تبدیل نموده است. و بالاخره انسان با کار و تلاش توانسته اکثر مشکلات فردی، اجتماعی و معنوی خود را از بین برده و بسیاری از نابسامانی‌ها و دردها و محرومیت‌ها، گرفتاری‌های خود را برطرف نموده و رشد فکری و روحی، علمی و اخلاقی خود را بدست آورد. تردیدی نیست که اکثر بدبختی‌های مادی و معنوی جامعه و تمام ذلت‌ها، فقرها، محرومیت‌ها و مفسد فردی و اجتماعی مردم به واسطه بیکاری و تنبلی و هوسرانی است. چنانکه بیشتر تجاویزات به مال، جان و نوامیس جامعه و افتادن در دامن ستمگران و گرفتاری به اعتیادهای خطرناک و آلودگی به زشتی‌ها و گناهان در اثر سستی و بیکاری و تن‌پروری بوده است. و از آنجا که دین مقدس اسلام تنها دین کامل و جاودانه و صحیح الهی است که برای سعادت دنیا و آخرت مردم و تکامل مادی و معنوی آنان نازل گردیده و در تمام شئون فردی و اجتماعی انسان‌ها و از جمله در مورد کار و تلاش و کوشش در جلوگیری از بیکاری و سستی عالی‌ترین قانون و بهترین برنامه را دارد. ارزش و اهمیت واقعی که اسلام ۱۴ قرن پیش با عناوین مختلف و بیانات گوناگون برای کار و کارگر بیان کرده هنوز بشر به آن پی نبرده است لذا به چند قسمت از آنها اشاره کرده و نمونه‌هایی از روایات اسلامی را در مورد آنها نقل می‌نمایم. ۱. **کار بالاترین عبادت:** اسلام کار و طلب روزی حلال را بالاترین عبادت، معرفی نموده است چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «العباده سبعون جزءاً افضلها طلب الحلال». عبادت ۷ جز دارد برترین آنها کار و کوشش برای بدست آوردن روزی حلال است. (بحار الانوار ج ۸۲ ص ۱۳۶) ۲. **کار بالاترین جهاد:** با آنکه جهاد و فداکاری در اسلام ارزش ویژه‌ای دارد ولی کار مثل آن و بلکه از آن برتر معرفی شده است. چنانکه امام صادق (ع) می‌فرمایند: «الکار لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله». آنکس که برای تأمین احتیاجات عایله‌اش تلاش کند مثل آنست که در راه خدا جهاد می‌کند. (فهرست موضوعی غرر ص ۹۳) و امام رضا (ع) فرمود: آنکس که (با کار و تلاش) از فضل و برکت خداوند طب روزی می‌کند که نیازهای عایله‌اش را فراهم نماید از جهادکننده در راه خدا پاداشش بیشتر است. (تفسیر

قرطبی ج ۵ ص ۸۰ زیر آی ۳۶ سوره نساء)۳. کار موجب عزت و بزرگی: معلی بن خنیس می گوید: امام صادق(ع) مرا دید که دیر به بازار در محل کار خود می روم فرمود: اعذ الی عرک. «صبح زود بطرف عزت و بزرگی خود بیرون برو». برخلاف کسانی که کار را برای خود ننگ می دانند یا به کارگر به چشم حقارت نگاه می کنند، رئیس مذهب شیعه، کار را سبب و عزت کارگر می داند. وسایل ج ۱۲ باب ۴) ۴. کار، ایمان و مردانگی: امام صادق(ع) فرمود: اصلاح المال من الایمان. «کار و تلاش کردن» اصلاح و تربیت و تنظیم مال از ایمان است. و در جای دیگر فرمود: بر تو باد که مال خود را اصلاح نمایی، چه این از بزرگواری است و موجب بی نیازی از افراد پست می گردد. ۵. کار و تکامل عقل: امام صادق(ع) فرمود: التجاره تزید فی العقل. «تجارت عقل را زیاد میکند». ۶. کار کردن اطاعت از خداست: محمد بن منکدر می گوید: امام باقر(ع) را در روز گرمی می دیدم که کار می کرد و عرق از او می ریخت، با خود گفتم: سبحان الله. پیرمردی از بزرگان قریش با این حالت و در این وقت گرما در طلب دنیاست، باید او را نصیحت کنم، خدمتش رفتم و بعد از سلام گفتم: خدا شما را اصلاح کند. بزرگی از بزرگان قریش با این حال و در این وقت در طلب دنیا(باید) باشد؟ آیا فکر نمی کنی در این حالت مرگت فرا برسد؟ فرمود: اگر در این حال مرگم برسد. در وقتی رسیده که در یکی از طاعت های خدا می باشم. ۷. کار موجب کمال: پیامبر اکرم(ص) فرمود: نعم العون علی تقوی الله الغنی. بی نیازی که از کار و تلاش پدید می آید چه کمک خوبی است به تقوی الهی و ترک گناه و آن حضرت عرض می کند: خدایا به نان ما برکت ده و میان ما و آن جدایی میانداز. چه اگر نان نباشد ما نماز نمی خوانیم و روزه نمی گیریم و واجبات پروردگاران را انجام نمی دهیم. ۸. ارتباط کار با سعادت آخرت بشر: امام صادق(ع) فرمود: «لاخیر فیمن لا یحب جمع المال من حلال یکف به وجهه و یقض به ردیفه و یصل به رحمه» نیکی و خیر(خوبی و کمال) نیست در کسی که گردآوردن مال را(از راه حلال) دوست نمی دارد که بوسیله آن آبروی خود را حفظ کند و بدهکاریش را بدهد و با کمک به خویشانش صلہ رحم بجای آورد. «شخصی به آن حضرت عرض کرد: من دنیا را دوست می دارم و علاقه ای موجب هلاکت من نیست؟ امام فرمود: دنیا را برای چه می خواهی؟ عرض کرد برای اینکه احتیاجات خود و عیالم را تأمین کنم و به واسطه آن صلہ رحم به جا آورم و به فقرا کمک کنم و حج و عمره انجام دهم. آن حضرت فرمود: این طلب دنیا نیست، بلکه طلب(سعادت) آخرت است. ۹. پیغمبر اکرم(ص) و ائمه(ع) کار می کردند: تمام پیامبران و اولیاء خدا کار و تلاش می کرده اند به ویژه پیغمبر اسلام(ص) و ائمه(ع). چنانچه امام صادق(ع) می فرماید: «کان رسول الله یحلب عنز اهلہ». رسول خدا برای خانواده اش شیر می دوشید و امیر مؤمنان(ع) هیزم(از باغ و صحرا) می آورد و سقایی برای مردم می کرد و(در خانه را) جاروب می نمود و حضرت فاطمه(س) آرد را خمیر می کرد و نان می پخت و باز آن حضرت فرمود: رسول اکرم(ص) با دست خود هسته خرما می کشت و علی(ع) سنگ و زمین را می شکافت و کشاورزی می کرد و قنات حفر می نمود و با دست رنج خود هزار بنده را آزاد می کرد. و علی بن حمزه می گوید موسی بن جعفر(ع) را دیدم در زمین خود کار می کرد و عرق از بدنش می ریخت، عرض کردم: جانم به قربانت مردها کجا می باشند که آنها کار کنند؟ فرمود: ای علی با دست خود کار کرده در زمین خود کسی که از من و پدر من بهتر بوده است. گفتم: چه کسی؟ فرمود: رسول خدا(ص) و امیر المؤمنین(ع) و پدرانم تمام آنها با دست خود کار می کردند و این عمل پیامبران و فرستادگان و اوصیاء و صالحان بوده است. (وسایل الشیعه ج ۱۲ باب ۴)

بازخوانی پرونده آثار زیانبار بیکاری بر جهانی سازی توحیدی

بیکاری، سستی، تبلی مفاسد و زیان های فراوانی به دنبال دارد و لذا در اسلام نیز سخت از آن نکوهش شده است که در این بحث ضمن هفت عنوان در ذیل بیان شده است. ۱- بیکار، مورد غضب خداست: همان طور که کار ارزشمند، بالاترین عبادت، جهاد،

اطاعت خدا و موجب عزت است و کارگر محبوب پروردگار عالم است، بیکاری زشت و نکوهیده و نادرست و شخص بیکار مورد غضب خدا و نفرت خلق است. امام صادق(ع) نقل می‌کند: «ان الله يبغض كثره النوم و كثره الفراغ». «خواب زیاد و بیکاری زیاد مورد غضب خداست». و حضرت موسی بن جعفر(ع) فرمود: «ان الله عزوج لیبغض القبر النوام ان الله یبغض العبد الفراغ.» و «به راستی که خداوند خشم دارد به بنده‌ای که زیاد بخوابد و شخص بیکار ورد غضب خداوند است.» (وسایل ج ۱۲ حدیث ۳) ۲- **بیکار عقلش کم می‌شود:** کار و فعالیت، فکر و مغز انسان را به کار انداخته و عقل و تدبیر را زیاد می‌کند چنانچه امام صادق(ع) می‌فرماید: «التجاره تزيد فی العقل.» «تجارت و کار عقل را زیاد می‌گرداند.» (وسایل، ج ۱۲ حدیث ۱) ۳- **بیکار، دعایش مستجاب نمی‌شود:** انتظاری که فرد بیکار، بدون تلاش دارد که دعایش و احتیاجاتش تأمین شود، بیجا بوده و همان‌طور که پیامبر(ص) فرمود: پنج دسته دعایشان به اجابت نمی‌رسد، یکی از آنها را فرمود: «رجل جلس فی بینه و قال اللهم ارزقنی و لم یطلب.» «مردی که در خانه خود بیکار بنشیند و بدون اینکه دنیا تلاش و طلب روزی برود، بگوید: خدایا روزی نصیب من کن، دعایش مستجاب نمی‌شود.» (وسایل ج ۱۲ حدیث ۴) ۴- **بیکاری و فقر:** شکی نیست که با کار و تلاش چرخ‌های اقتصادی به راه افتاد. و نیازمندی‌های مردم فراهم می‌شود و بیکاری سبب رکود اقتصادی و پایین آمدن سطح تولید و موجب کمبود و درماندگی و فقر می‌شود. و همان‌طور که امام صادق(ع) در پاسخ به فضیل بن یسار که گفت: من امروز بیکارم، فرمودند، کذلک تذهب اموالکم و اشتد علیه «همین‌طور (با بیکار بودن) مال‌های شما از بین می‌رود و فقیر می‌گردید و سخت او را مورد نکوهش و توبیخ قرار داد و نیز می‌گوید: من کار را ترک کرده بودم (و فقیر و بی‌سرمایه شدم) امام صادق(ع) فرمود: هرگز، چنین (بیکار) مباش، درب مغازه خود را باز کن و سایل کارت را پهن کن و از پروردگارت روزی بخواه.» (وسایل ج ۱۲ حدیث ۹) ۵- **بیکار از رحمت خدا بدور است:** کسی که کار و تلاش نمی‌کند که مخارج خود و عایله‌اش را تأمین کند و گوشه‌ای از بار جامعه را بر دوش نمی‌کشد بلکه خود و عایله‌اش سرباری بر دوش جامعه می‌باشند، ملعون و از رحمت خداوند به دور است، چنانکه پیامبر(ص) فرمود: «ملعون من الی کله علی الناس.» «ملعون است هرکس که (کار و تلاش نمی‌کند) و بار و زحمت خود را بر جامعه تحمیل کرده است. و در حدیث دیگر فرمود: «ملعون ملعون من یضیع من یحول» «ملعون از رحمت خدا به دور است، کسی که (بیکار بوده و با درمانده کردن) عایله‌اش را ضایع و بی‌ارزش کند.» (سفینه البحار ج ۱ ص ۴۴۸) ۶- **کم‌کاری بزرگترین عامل بدبختی:** همان‌طور که بیکاری زیان‌بار و بیکار مورد نکوهش است. کم‌کاری، سستی و تنبلی نیز نکوهیده و موجب ضرر است و فرد سست، بی‌حال و کم‌کار در امور دنیا و آخرت عقب افتاده و ضرر می‌بیند، لذا، همان‌طور که در روایات اسلامی از بیکاری مزمت و نکوش شده از کم‌کاری و سستی نیز ملامت شده است، چنانکه امام باقر(ع) می‌فرمایند: «این لا بغض الرجل ان یکون کسلانا عن امر دنیا و من کسل عن امر دنیا فهو من امر آخرته اکسل.» «من دشمن می‌دارم مردی را که در کار دنیایش بی‌حال و سست باشد و در کار آخرتش سست‌تر است» (اهمیت کار و ارزش کارگر در اسلام، ص ۹۸) و امام صادق(ع) نیز فرمود: «کسی که در کار عبادت و نمازش سست باشد خیر (و خوبی) در آخرتش نیست و کسی که در اداره امور زندگی سست و بی‌حال باشد خیر (و خوشبختی) در کار دنیایش نمی‌باشد» و نیز فرمود: «عدو العمل الکسل» «سستی و بی‌حالی دشمن کار است.» (اهمیت کار و مفاسد بیکاری، ص ۶۵)

کار و کارگر در آرمانشهر خمینی کبیر

امام راحل تربیت شده مکتب رسالت با امعان نظر خاصی به تئوری پردازی، تبیین و توسعه فرهنگ توحیدی کار در بین ملل اسلامی و هدایت ملت های آزاده دنیا به سوی مبانی الگوی زیست مسلمانی گام برداشته اند برخی از این اصول مطروحه عبارتند از: **عظمت کارگر:** اسلام برای کارگر ارزش و برای کار ارج قایل است و ارزش و احترام. یعنی همانطور که یک فرد عالم، یک مرد مجاهد را توصیف می کند، فرد کارگر، زارع، هر کارگری را می گوید همه شان مثل همدند. مثل شانه ای که این رگ هایی که دارد، همه هم قد هستند، مثل هم هستند...

داشتن استقلال در امور: ما باید ادراک این موضوع را کنیم که ما در هر کجا کار می کنیم در امر کشاورزی کار می کنیم، باید خودمان به خودمان تلقین کنیم که ما مستقل ایم و ما باید مستقل باشیم و نباید دستمان را به دیگری دراز کنیم برای اموری که کشورمان محتاج است.

نظم در کارها: یک مطلب که باید کارگران کارخانه ها، کارگران معادن و همه کارگران در هر جا که هستند و کارمندان در هر جای کشور هستند توجه به آن کنند اینست که نظم را در هر کجا هست مراعات کنند. اگر بنا باشد در محیط کاری با بی نظمی بخواهند انجام عمل کنند، این بی نظمی موجب می شود که آنها نتوانند به وظایف اسلامی خودشان، به وظایف ملی خودشان عمل کنند. پس لازمست که همه کارگرا و کارمندان به یک نظم خاصی و یا گوش کردن به آنهایی که در رأس اند عمل کنند که به نتیجه مطلوب انشاالله برسند. (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۶۷-۶۸)

حقوق کارگر از دیدگاه اسلام

۱- **تعیین مزد قبل از کار:** اسلام می گوید: هرکس می خواهد کارگری را به کار گیرد، نخست باید مزد او را تعیین کرده و به وی صریحاً اعلام نماید تا کارگر در صورت تمایل و رضایت به انجام آن کار اقدام نماید. این حقیقتی که با صراحت در روایات اسلامی به آن توجه شده است که چند نمونه در ذیل ذکر می کنیم: ۱- «نهی رسول الله (ص) ان یستعمل اجیرا حتی یعلم ما اجرت» از اینکه کسی کارگری را پیش از تعیین مزدش بکار گیرد منع فرمود. و امام صادق (ع) می فرمایند: هرکس ایمان به خدا و روز قیامت دارد، تا وقتی مزد کارگری را به او اعلام نکرده است او را به کار نگیرد. (وسایل ج ۱۳ ص ۲۴۵ و ص ۲۴۶) ۲- **توافق در کار:** اسلام هرگز اجازه نمی دهد که فرد یا مؤسسه و حتی دوست، شخصی را به زور بدون رضایت و توافق او به کاری اجبارش کند، چنانکه علمای اسلام یکی از شرایط صحت و مشروعیت اجاره و کار گرفتن را میل و اختیار او ذکر کرده اند. و در صورتی که کارگر نابالغ باشد، میل و رضایت او بی اعتبار است. چون، ممکن است او را فریب دهند و حقوقش را کامل ندهند. در درستی و صحت اجاره و بکارگیری او اجازه از ولی و سرپرست او را لازم دانسته اند و... (تحریر الوسیله ج ۱) ۳- **شتاب در پرداخت مزد:** اسلام همانطور که در تعیین مزد کارگر و رضایت او در اشتغال بکار سفارش کرده است، در فوریت پرداخت مزد کارگر نیز تأکید کرده است، تا جایی که می گوید: به مجرد اینکه کارگر دست از کارش کشید هنوز عرق کارش خشک نشده باید مزد او به وی پرداخت شود که چند نمونه روایت ذیل آمده است: ۱- هشام بن حکم از امام صادق (ع) نقل می کند در مورد کارگری که کار کرده است فرموده: «لا یححف عرقه حتی تعطیله اجرت» «کارگر را تا عرقش خشک نشده اجرتش را به او بده». ۲- شعیب می گوید: ما عده ای کارگر گرفته بودیم که در باغستان امام صادق (ع) کار می کردند و آخرین کارشان عصر بود، وقتی که عصر شد حضرت به نماینده اش فرمود: اعطهم اجور هم قبل ان یحف عرقهم. تا عرقشان خشک نشده است اجرت و مزد آنها را پرداخت کن. علمای اسلام نیز ضمن لزوم تعیین مزد کارگر گفته اند، در صورتی که تأخیر پرداخت مزد کارگر را با او شرط نکرده باشند فوراً با شتاب

باید مزد او را پرداخت کنند. (وسایل الشیعه ج ۱۳ ص ۲۴۷) ۴- **نکوهش در ندادن حق کارگر:** رسول اکرم (ص) در این باره فرمود: هرکس از نظر مزد به کارگرش ستم کند (که مزد او را ندهد یا کم یا دیر بدهد) خداوند عمل نیک او را تباه می‌سازد و بوی بهشت را بر او حرام می‌کند. و هم فرمود: «من خیرا اجره فعلیه لعنه الله». و نیز فرمود، هرکس مزد کارگرش را ندهد لعنت خدا بر اوست. امام صادق (ع) فرمود: «اقدر الذنوب ثلاثه، قتل البهیمه و حبس مهر المرثه و من منع الاجیر اجره». امام صادق (ع) فرمودند: پست‌ترین گناهان سه چیز است، بدون جهت کشتن حیوانات، خوداری کردن از دادن مهر همسر و کسی که مزد کارگرش را ندهد (شرایع الاسلام، قسمت اجاره شرط اول و شرط سوم). ۵- **نکته اخلاقی:** ناگفته پیداست که کارگر منحصر نیست که کسی که در اداره، کارخانه، مراکز صنعتی، کشاورزی، تجاری و... کار می‌کند بلکه هرکس در هر جایی زحمت می‌کشد و کار مشروع سودمندی انجام می‌دهد، حتی زنی که کارهای خانه‌اش را انجام می‌دهد کارگر محسوب شده و ارزشمند است و حقوق او باید رعایت شود. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مهنه احد کن فی بیتها تدرک جهاد المجاهدین انشا الله» زحمت و کار شما زن‌ها در منزلتان موجب رسیدن به پاداش مجاهدان است (وسایل، ج ۱۳، ص ۲۴۷) و علی (ع) فرمود: «جهاد المرثه، حسن التبعل». «جهاد زن، خوب شوهرداری کردن او است» (نهج البلاغه حکمت، ص ۱۳۱) و نیز رسول اکرم (ص) فرمود: «هر زنی که هفت روز، در خانه به شوهرش خدمت کند، هفت درب دوزخ بسته می‌شود و هشت درب بهشت برایش، باز می‌شود که از هر دربی بخواهد داخل گردد.» لذا مردها باید حقوق همسران خود را که در خانه زحمت می‌کشند رعایت کنند، چنانکه زنان نیز باید مواظب باشند که با بعضی رفتار زشتشان با شوهر، پاداش خود را از بین نبرند، چنانکه پیامبر (ص) فرمود: «هر زنی که شوهرش را با زیانش اذیت کند اول کسی است که داخل آتش می‌شود و هیچ عمل نیکی از او قبول نمی‌گردد.» (نهج الفصاحه ص ۳۷)

بهترین کارها

اگر چه تمام کارها مشروع و سودمند چنانکه روشن و واضح است از نظر اسلام نیکو و ارزشمند بوده و بالاترین عبادت است، همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «العباده سبعون جز أفضلها طلب الحلال». عبادت هفت جز دارد و برترین آنها طلب روزی و کار حلال و سودمند کردن است.» (ارشاد دیلمی، ج ۱، ص ۶۷)

اهمیت عمل

اهمیت عمل از نظر اسلام تا جایی است که امام صادق (ع) در حدیثی که از ایشان نقل شده است «عمل را تمام ایمان می‌داند» و می‌فرماید: «الایمان عمل کله» و امام علی (ع) راه شناخت مؤمن را «عمل او می‌داند» و می‌فرماید: «المؤمن بعمله» چنانچه از متن تعالیم دینی استفاده می‌شود، عمل منبعث از معرفت و یقین برای مؤمن، نه تنها عبادت است، بلکه ایمان را به «عمل» تعبیر کرده‌اند. یادآوری این نکته ضروری است که منظور از عمل مجموعه رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس موازین دینی است. (مهم‌ترین کارها و بدترین درآمدها در اسلام، ص ۵۸)

کار در دکترین نبوی امری است کیفی و نه کمی

تعبیر آیات الهی از عمل به «عمل صالح» (و علموا الصالحات) و «بهترین اعمال» (احسن عملاً) مبین این مطلب است که از نظر اسلام، اصل بر کیفیت عمل است و نه کمیت آن. چنانکه امام صادق (ع) در تعبیر آیه شریفه «احسن عملاً» می‌فرمایند: لیس یعنی اکثر عملاً، و لیکن اصوبکم عملاً... ثم قال: «الابقا علی العمل حتی یخلص من العمل» «معنای این عبارت (آیه شریفه) زیادی عمل (کمیت) نیست. بلکه درستی عمل منظور است... بعد فرمودند: اصرار بر عمل تا به درجه خلوص برسد، از نفس انجام آن پراهمیت‌تر است.» (کافی ج ۲ ص ۳۱۷)

همکاری در کار

تعاون و همکاری همیشه مورد تأکید اسلام بوده است. زیرا همکاری در کارها، علاوه بر اینکه سرعت و شتاب کار را افزایش می‌دهد، به همان مقدار، جامعه سریع‌تر از نتیجه کار بهره‌مند می‌شود و جریان اقتصادی، جان تازه‌ای می‌گیرد و روحی اجتماعی تقویت، و الفت و محبت را بین افراد افزون می‌گرداند بدون جهت نیست که اسلام قدرت و عنایت خداوند را در آنجایی می‌داند که همکاری و هماهنگی باشد و می‌فرماید: «یدالله مع الجماعه» سیره پیامبر اسلام (ص) این بود که در کارها همانند دیگران شرکت می‌فرمود، چنانکه در ساختن مسجد قبا خود نیز، سنگ و گل حمل می‌نمود تا اولین مسجد در اسلام با کمک همکاری مسلمانان ساخته شد. روزی که خبر حمله دشمنان به مدینه رسید و قرار شد تا برای افزایش قدرت دفاعی، گرد شهر مدینه خندقی حفر کنند و هر چند نفر از مسلمانان قطعه‌ای از زمین را برای کندن خندق تعیین کردند، پیامبر (ص) نیز همانند دیگران سعی برداشت تا در این کار عظیم با سایر مسلمانان همکاری داشته باشد. در سفری که پیامبر اسلام (ص) به همراه جمعی از یارانش داشتند، می‌خواستند برای تهیه غذا گوسفندی را بکشند یکی ذبح گوسفند و دیگری پوست کندن و سومی پختن آن را به عهده گرفت که پیامبر (ص) فرمود: «و علی جمع الحطبه» «من هیزم جمع می‌کنم». عن‌النبی (ص) انه قال: «تحت ظل العرش یوم لاضل الاضله، رحل خرج ضارباً فی الارض یطلب من فضل الله ما یکف به نفسه و یعود به علی عیاله» از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: روز قیامت سایه عرش الهی بر سر آن مردی قرار می‌گیرد که برای تأمین مخارج زندگی خود و عایله‌اش از خانه خارج گردد و با تکیه بر عنایت خداوندی در روی زمین به جستجو و تلاش بپردازد. (کتاب وجدان کار، ص ۲۱۲)

کار و حفظ کرامت انسانی

روی عن‌الکاظم انه قال: «الأس مما فی ایدی الناس عز المومن فی دینه و مروته فی نفسه و جلالته فی عسیرته، مهابته عند عیاله و هو اغنی الناس عند نفسه و عند جمیع الناس. امام موسی بن جعفر (ع) فرموده است. «از مردم قطع امید کردن و از ثروتشان چشم پوشیدن و به درآمد کار خود قانع بودن، برای مرد با ایمان مایه عزّ دینی و روح جوانمردی و شرف دنیوی است. چنین انسانی در نظر مردم بزرگ و بین فامیل خود محرم و محیط خانواده‌اش دارای هیبت و عظمت خواهد بود او در ضمیر خود و در نظر دیگران بی‌نیازترین مردم است...» (دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۲۲)

عزت در سایه کار

«عن زراره عن الصادق (ع): ان رجلاً أتاه فقال: اننی لا احسن ان اعمل عملاً بیدی، و لا احسن ان اتجر، و انا محارف محتاج. فقال (ع) اعمل و احمل علی رأسک واستغن عن الناس» زراره می‌گوید: مردی به حضور امام صادق (ع) آمد، عرض کرد: دست سالمی ندارم که با آن کار کنم، سرمایه ندارم تا با آن تجارت کنم، مرد محروم و مستمندی هستم، چه کنم؟ امام صادق (ع) می‌دید که سر آن مرد سالم است و می‌تواند طبق رسوم محلی با آن کار کند راضی نشد عزّ و شرفش با گدایی از مردم در هم بشکند، به وی فرمود: با سرت باربری کن و خود را از مردم، مستغنی و بی‌نیاز بدار. (سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۹۱)

استحکام

قال النبی (ص): ان الله تعالی یحب اذا عمل احدکم عملاً ان یتقنه: پیامبر اکرم (ص) فرمود: خداوند متعال دوست می‌دارد زمانیکه یکی از شما کاری را انجام می‌دهد، محکم کار باشد. (محججه البیضا، ج ۳)

اهمیت جغرافیای زمانی در هندسه توحیدی کار

قال علی (ع) لما لک الشتر: «وامض لكل يوم عمله، فان لكل يوم ما فيه.» «امیرالمؤمنان علی (ع) به مالک اشتر فرمود: کار هر روز را همان روز انجام بده. چون برای هر روز، کاری مخصوص است.» (میزان الحکمه، ج ۷)

خطر بیکاری:

«کان رسول الله (ص) اذا نظر الى الرجل ما عجبه مال: هل له حرفه؟ فان قالوا: لا، قال: سقط من عینی. قيل: و کیف...» سیره رسول الله این بود که هرگاه به مردی نگاه می کرد و از لحاظ جسمی نظر او را جلب می نمود، سؤال می فرمود: آیا شغل و حرفه ای داری؟ اگر در پاسخ می گفتن شغلی ندارد، می فرمود: از چشمم افتادی. به آن حضرت عرض می شد چگونه شخصیت او در نظر شما تنزل کرد؟ می فرمود؟ آنگاه که مؤمنی دارای شغل و حرفه ای نباشد، برای تأمین مخارج زندگی خود، دینش را می فروشد. (بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۹)

لطائفی شگفت آور در کلام تجلی اعظم نبوی

بهره الگویی و تربیتی بشریت از وجود وصی و تالی تلو نبی (ص) - امام علی (ع) - به عنوان انسان کامل و اسوه یکی از مطالبات بحق بشری از خالق عالم بود که پاسخ مثبت بدان داده شد. و این اصلی ترین رکن حقوق بشر از سوی خداوند رعایت شده است. لذا قول و فعل انسان کامل صراط مستقیم و میزان قسط و حق مطلق است. حضرت در یکی از نامه هایشان به والی خویش می نویسد: «کارهایی در امر حکومت هست که ناچار خودت باید به انجام برسانی از جمله پاسخگویی به برخی نامه های کارگزاران که از عهده دبیران بیرون است و آنها قدرت و تصمیم و توان اجابت ندارند، یا برآوردن بعضی نیازهای مردم که همکاران و مسئولان برجسته ات از انجام آنها ناتوانند.» سپردن کار به اهل فن و اهل کار، تقسیم بندی کارها بنا به استعدادها و توانایی های اشخاص، رده بندی کارها براساس اهمیت، تأکید به انجام امور در این گفتار کوتاه به خوبی بیان شده است. در جای دیگر آمده است: «کار هر روز را همان روز به پایان برسان و به روز دیگر مگذار، که برای هر وظیفه و کاری است و...» در اینجا هم به فرصت شناسی و نظم در کارها و تقسیم بندی کارها برای هر روزی اشاره شده است. و در جای دیگر آمده: «کار خیر را انجام دهید و آن را کوچک نشمارید که نیکوی کوچک بزرگ است و اندکش بسیار است.» و نیز فرمودند: «آنکس که مردم را به نیکوکاری وادار کند همچون نیکوکاران است و آنکس که مردم را به بدی وادارد و با نیکی بستیزد، دشمن خدا و انسانها است. نیکی را با ریاکاری انجام مده و از شرمگینی، کار خیر را رها مکن، کسی که کار نیک را از بد نشناسد همچون چارپایان است. (نهج البلاغه، نامه ۵۲)

تئوری پردازی کار و تولید توحیدی در سایه سار نهج البلاغه

نهج البلاغه، به عنوان تالی تلو و عدل قرآن، دومین کتاب و نقشه راه در تحقق دکترین نبوی برای عروج جامعه جهانی بسوی تأمین اساسی ترین حقوق بشری می باشد. در کتاب ارزشمند نهج البلاغه در مورد ارزش کسب و کار چنین آمده است: [۷۰] «علامات المتقین ... و تجعلا فی فاقه و صبرا فی شده و طلبا فی حلال و نشا طا فی هدی، و تحرجا عن طمع یعمل الاعمال الصالحه و هو علی وجل» و از نشانه های پرهیزکاران این است که... «با داشتن علم بردبار، در توان گری میانه رو، در عبادت فروتن، در تهیدستی آراسته، در سختی بردبار، در جستجوی کسب حلال، در راه هدایت شادمان و پرهیز کننده از طمع ورزی، می باشد

اعمال نیکو انجام می‌دهد و ترسان است و...» در جای دیگر این کتاب در مورد ضرورت کار و تلاش در قسمت حکمت ۵/۱۵۰ آمده است: «...؛ تغلیه نفسه علی ما یظن، و لا یغلبها علی ما یتستقین، یخاف علی غیر، بادی من، ذنبه، و یرجو لنفسه باکثر من عمله و...» «... برای دیگران که گناهی کمتر از او دارند نگران، و بیش از آنچه که عمل کرده امیدوار است، اگر بی‌نیاز گردد مست و مغرور شود. و اگر تهیدست شود مأیوس و سست شود، چون کار کند در آن کوتاهی ورزد و...» در مورد «سبقت در کارهای نیک» چنین آمده است در قسمت حکمت ۴۲۲: «افعلو الخیر و لا تحقروا منه شیئاً، فان صغیره کبیر و قلیله کثیر، و لا یقولن احدکم ان احدا اولی بفعل الخیر منی، فیکون و الله کذلک، ان للخیر و، الشر اهلاً و...» «کار نیک به جا آورید، و آن را هر مقدار که باشد کوچک نشماید، زیرا کوچک آن بزرگ و اندک آن فراوان است و کسی از شما نگوید که دیگری در انجام کار نیک از من سزاوارتر است. اگر چه سوگند به خدا که چنین است و خوب و بد را طرفدارانی است که هرگاه هر کدام از آن دو را واگذارید، انجامشان خواهند داد.» در این حکمت یاد شده در بالا ارزش کوچک شمردن کارهای نیک نیز بیان شده است. در مورد «ارزش تداوم کار» در حکمت ۴۴۴ چنین آمده است: «فضل الاستمرار فی العمل»: «قلیل مدوم علیه خیر من کثیر مملول منه»: خیر اندک که با اشتیاق تداوم یابد، بهتر از فراوانی است که رنج‌آور باشد. در این کتاب در مورد «علل موفقیت در کارها» چنین بیان شده است: «اجتناب من الاعمال المتنوعه» و «من اوما الی متفاوت خدلته الحیل: کسی که به کارهای گوناگون بپردازد، خوار شده و پیروز نمی‌گردد.» «در مورد ارزش والای انجام‌دهنده کارها» چنین آمده است: «فضل فاعل الخیر» فاعل الخیر منهم و فاعل الشر و شر منه: ارزش و والای انجام دهنده کارهای خیر: «نیکوکار از کار نیک، بهتر و بدکار از کار بد بدتر است.» (شگفتی‌های نهج البلاغه، ص ۴۵-۷۸)

برآیند و جمع‌بندی:

انسان در نگرش «الگوی زیست مسلمانی» دارای کرامت و ارزش انسانی است و بر او بایسته است که پیش از هر چیز این کرامت ذاتی را در جهان هستی پاس دارد و تدابیری بیندیشد که خود را به جایگاه شایسته برساند. و از طرفی، کار در دکتترین «آرمانشهر جهانی نبوی» وظیفه طبیعی انسان، رمز رشد و پیشرفت فرد و جامعه، راز شادابی فرهنگ‌ها، شعار و شعور انسان توحیدگرا، روح و جان دین محمد(ص) و پیشه شایسته کرداران خوبان بارگاه خداست. در قرآن کریم و در احکام اسلامی به ارزش کار و فرهنگ توحیدی کار بهای ویژه‌ای داده شده است. در قانون اساسی کشورمان نیز وقتی بحث از کار، کارگر و کارمند و یا بطور کلی امر اشتغال می‌شود، به محرومیت‌زدایی‌ها و برآوردن نیازهای جامعه و فقرزدایی و ایجاد امکانات و شرایط لازم برای همه مردم در جهت اشتغال اشاره شده است. البته ارزش والای نیروی کار بر کسی پوشیده نیست وقتی ما پیرو مکتبی هستیم که پیشوایان این مکتب تأکید بر ارزش فوق‌العاده نیروی کار می‌کنند، خود گواه این امر است. تفکر کار و تلاش مثبت منبث از «الگوی زیست مسلمانی» و جهانی سازی توحیدی کار می‌باشد و ارتقای اندیشه و پرورش فکری نیروی کار در گرو ارزش‌گذاری صحیح برای نیروی کار و فراهم آوردن محیطی مناسب برای حمایت از آنهاست. اصول مذهبی و موازین دینی ما از کار و تلاش صرف‌نظر از بعد مادی و ظاهری آن بعنوان یک ارزش یاد می‌کنند و از این رو به وظیفه مدیران و کارفرمایان و سرپرستان محیط کار و روحیه کارکنان تأکید بسیار شده است. یک مدیر موفق و توانمند در بهره‌گیری از همه توانایی‌های نیروی کار و تلاش می‌کند که البته این امر بسیار دشوار است و می‌توان گفت که تنها با ارزش‌گذاری‌های مادی و معنوی به نیروی کار می‌توان از همه توانایی‌های آنها بهره گرفت. با استناد به فرمایش حضرت نبی(ص) که کار ایمان را سیقل می‌دهد می‌توان به ارزش کار و نیروی کار پی برد. به

این معنا که اهمیت کار آنچنان بالاست که در کنار ایمان مطرح می‌شود بنابراین باید به توسعه و ارتقای فرهنگ کار توجه بیشتری شود. اگر هدف ما توسعه انسانی است این توسعه انسانی دست نمی‌دهد مگر اینکه معتقد به توسعه اجتماعی باشیم که توسعه اجتماعی خود در گرو اولویت‌گذاری به نیروی فکر و اندیشه و تقویت روحیه اجتماعی است. باید توجه داشته باشیم که رسیدن به سطح مطلوب بهره‌وری در گرو داشتن عناصری آگاه، هوشمند، متعهد و نوآور، تحت سیستم اجتماعی و انسانی در محیط کاری است. که همه این‌ها میسر نمی‌باشد جز با ارتقای فرهنگ کار. در پایان سخن باید گفت که خداوند آدمی را موجودی چندبعدی خلق کرده است و شناخته می‌شود و بدیهی است که هر که از ابعاد انسان نیازمندی‌های دارد که نیازها باید برطرف شود. محیط‌های کاری، دل‌بستگی به وظایف و مسئولیت‌ها را به صورتی منطقی و اصولی و در عین حال لذت‌بخش فراهم می‌سازد و شرایط ارضای نیازها و تمایلات عاطفی، ذوقی و معنوی کارکنان را مهیا کنند، خود جنبه‌ای نمادین از ارزش‌گذاری برای نیروی کار است. بنابراین در محیط کاری باید شرایطی را فراهم آورد که هر یک از کارکنان بتوانند در رفع نیازمندی‌های انسانی خود و خانواده و شکوفایی استعداد و نبوغ شخصیتی‌شان، تلاش و کوششی آگاهانه معمول دارند و از این طریق زمینه ارتقای فرهنگ کار و ارزش‌گذاری نیروی کار فراهم آید. مجموعه این اصول مترقی، فوق مدرن و جهان شمول مبتنی بر فطرت الهی انسان، منعکس در کلمات و رفتار چهارده معصوم به عنوان الگوی زیست مسلمانی یا دکتین آرمانشهر جهانی نبوی یاد می‌شود.

فهرست منابع و ماخذ:

- 1- قرآن کریم.
- 2- اخلاص در کار، مؤسسه پژوهشی علمی فرهنگی طلعه منطق. انتشارات وثوق چاپ اول سال ۷۹.
- 3- نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، مترجم جعفر خلیلی، تهران مؤسسه فرهنگی همسایه ج ۱. ۱۳۷۸ ش
- 4- کتاب حدیث، مجید عارف. تهران. چاپ کویر. ج ۳ - ۱۳۷۷.
- 5- فهرست موضوعی غرر، مجموعه آثار شریعتی: تنظیم بوسیله فیروزه صابر و دیگران. تهران. چاپ مدرس ۱۳۶۹.
- 6- اصول کافی، ابن جعفر محمدبن یعقوب کلینی، ۳۳۹ ق.، ترجم جواد مصطفوی. تهران علمیه اسلامی. ۱۳۴۴.
- 7- اخلاق در قرآن، تألیف محی الدین حائری شیرازی، تهران، واحد مطالعات و تحقیقات فرهنگی تاریخی ۱۳۶۱.
- 8- سفینه البحار غنی، عباس قمی، ج یک، تهران، فراهانی، کتابخانه سینایی ۱۳۶۳.
- 9- تفسیر قرطبی، تألیف محمد قرطبی، جلد ۵.
- 10- اهمیت کار و تلاش کارگر در اسلام، دفتر امور فرهنگی تبلیغات اسلامی. چاپ نشر. ۱۳۷۷.
- 11- اهمیت کار و مفسد بیکاری، دفتر امور فرهنگی از وزارت کار و امور اجتماعی.
- 12- تحریر الوسیله، مؤلف علی‌الحسین الاشکوری، پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی. ج ۱. ۱۳۸۰.
- 13- نهج البلاغه، ترجمه و متن عربی: مترجم محمد دشتی. انتشارات مشرقین. چاپ ۳. دانش قم تابستان ۷۹.
- 14- مکارم الاخلاق، حسن الفضل الطبرسی قرن ۶. ترجمه ابراهیم میرباقری چاپ تهران فراهانی.
- 15- بهترین کارها و بدترین درآمدها در اسلام، چاپ و نشر تبلیغات اسلامی ۱۳۷۷.
- 16- غرر الحکم، عبدالواحد، محمد آموسی، ترجمه جمال‌الدین محمد خوانساری چ دانشگاه تهران. ۱۳۶۰.
- 17- الوافی، فیض کاشانی، ۱۰۹۱ ه.ق. (محمدبن شاه مرتضی)، اصفهان، مکتب علی، ۱۴۰۶ ه.ق.
- 18- میزان الحکمه، ابوالفتح عبدالرحمن خازن، مقدمه و تعلیقات مدرس رضوی.
- 19- شگفتی‌های نهج‌البلاغه، فخرالدین، تهران، انتشارات بعثت.
- 20- کار و عبادت، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت کار و امور اجتماعی. بهار سال ۱۳۷۷.

- 21- حقوق کارگر از دیدگاه اسلام، دفتر نشر و تبلیغات اسلامی در دفتر امور فرهنگی چاپ ۱۳۷۷.
- 22- وجدان کار، ناشر دفتر نشر برگزیده تابستان ۸۰. چاپخانه سلمان فارسی.
- 23- اخلاص در کار و عبادت، دفتر فرهنگ وزارت کار و امور اجتماعی. انتشارات منطق زمستان سال ۱۳۷۹.
- 24- حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۷۳ ه ش، دیوان اشعار، تهران، مرکز فرهنگی نشر رجاء
- 25- حسن زاده آملی، حسن 1377 ه ش، هزارویک نکته، طهران، نشر رجاء
- ۲۶- صمدی آملی، داود، ۱۳۸۶ ه ش، مآثر آثار، قم، نشر الف. لام. میم
- 27- صمدی آملی، داود، ۱۳۸۸ ه ش، شرح دروس معرفت نفس، قم، انتشارات قائم آل محمد (ع)
- ۲۸ - صمدی آملی، داود، ۱۳۸۹ ه ش، شرح دفتر دل، قم، انتشارات نبوغ
- ۲۹- صمدی آملی، داود، ۱۳۸۹ ه ش، شرح رساله انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، قم، نشر روح و ریحان
- ۳۰- حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۸۷ ه ش، دروس شرح فصوص الحکم قیصری، قم، بوستان کتاب
- ۳۱- حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۸۳ ه ش، انسان و قرآن، قم، انتشارات الف. لام. میم
- ۳۲- خمینی، روح الله، ۱۳۷۸ ه ش، صحیفه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۳۳- خمینی، روح الله، ۱۴۱۶ ه ق، شرح دعای سحر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۳۴- مولوی، جلال الدین محمد، ۱۳۸۳ ه ش، مثنوی معنوی، به سعی رینولد الن نیکلسون، تهران، امیر کبیر
- ۳۵- خواجه شمس الدین، محمد، ۱۳۸۲، دیوان اشعار، راهنما، تهران
- ۳۶- آملی، سید حیدر، ۱۳۶۸ ه ش، جامع الاسرار و منبع الانوار، تصحیح هانری کرین و عثمان اسماعیل محیی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۳۷- جوادی، عبدالله، ۱۳۹۰ ه ش، موسوعه الکلمات الرسول الاعظم، تهران، نشر امیر کبیر
- ۳۸- قمی، عباس، ۱۳۸۲ ه ش، مفاتیح الجنان، ترجمه رضا مرندی، تهران، انتشارات باقر العلوم
- ۳۹- صمدی آملی، داود، ۱۳۸۹ ه ش، طهارت، قم، نشر روح و ریحان
- ۴۰- کلینی، ابی جعفر محمد، ۱۳۶۵ ه ش، الکافی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه
- ۴۱- محمودغراب، محمود، ۱۳۸۷ ه ش، انسان کامل، ترجمه گل بابا سعیدی، تهران، نشر جامی
- ۴۲- جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، ۱۳۲۸ ه ش، مصباح الشریعه، مصحح، مرندی، رضا، مترجم، گیلانی، عبدالرزاق بن محمد هاشم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، قم
- ۴۳- خمینی، روح الله، ۱۳۶۹ ه ش، وصیت نامه، تهران، نشر نگار- سازمان حج و اوقاف امور خیریه